

حضرت علی  
(علیه السلام)

توصیه می‌کنند در شرایط فتنه که تشخیص حق و باطل برای مردم بسیار مشکل می‌شود، باید به گونه‌ای عمل کرد که هیچ بهره‌ای به نفع فتنه ایجاد نشود. در شرایط فتنه همچون قضایای سال ۸۸، نباید سخن، سکوت، اقدام و حتی نوع نگرش، موجب تقویت فتنه شود.

بیانات در دیدار با هیات دولت



دکتر خسرو خواجه در گفتگو با چشمه:

## باید در تولید علم، همانند فناوری هزینه کنیم

صفحه ۱۲



اینجا آخر خط است!

صفحه ۸



عمرت به سلامت باد

صفحه ۵



عصر اسارت علم!

صفحه ۳



## کارگاه داروینیسیم و تکامل گرایی زیستی

بخش اول کارگاه استادان با عنوان «داروینیسیم و تکامل گرایی زیستی در بوته نقد و بررسی» از سوی معاونت آموزشی دانشگاه تربیت مدرس برگزار گردید.

دکتر علی فلاح رفیع در این کارگاه ضمن طرح مباحثی تفصیلی در موضوعاتی چون سبزه داروینیسیم در جهان معاصر، ادعای داروینیسیم و تکامل گرایی، به ذکر پیشگامان داروین و نیز حال و هوای فکری پس از وی در مغرب زمین پرداختند.

در ادامه مسئول نهاد رهبری دانشگاه تربیت مدرس با اشاره به سوالات مطرح شده، ادامه مباحث را به موضوع استدلال‌های علمی داروین اختصاص دادند.

استاد فلسفه دانشگاه تربیت مدرس با اشاره به انواع مواجهه‌ها با داروینیسیم در جامعه ایران و نیز جهان غرب، نقدهایی چون نبود حدواسطها، عدم تبیین‌پذیری علمی، نبود روند ثابت در انتخاب طبیعی، کاربرد زبان و کتابت، ژن دم و غیره را نسبت به این نظریه مطرح کردند.

ایشان که نقدها را به دو قسم نقد نقضی

علمی و نقد ایجابی علمی تقسیم کرده بودند، بیان داشتند نقد ما درباره تکامل زیستی در این مرحله نقد انگیزه‌ها نیست بلکه دیدگاه تجربی و علوم زیستی و استدلال‌های زیست‌شناسان و فسیل‌شناسان را مطرح می‌نماییم هر چند نقدهای دیگری نیز به نظریه وارد و قابل طرح است.

در دومین قسمت از کارگاه «داروینیسیم و تکامل گرایی زیستی در بوته نقد و بررسی» نیز دکتر علی فلاح رفیع بر محور اصلی بحث تاکید نموده و افزودند در این کارگاه موضوع صرفاً بیان دلایل و استدلال‌های تکامل گرایی زیستی و نقد و بررسی آن می‌باشد. هر چند داروینیسیم در ساحت‌های گوناگون تعمیم یافت لکن ریشه و بنیان همه آنها تکامل زیستی بود که موضوع این کارگاه می‌باشد.

ایشان در ادامه گفتند: تکامل زیستی در جهان غرب یک واقعیت و بلکه یک باور و ایدئولوژی محسوب می‌شود به گونه‌ای که کسی نمی‌توانست با آن به مخالفت برخیزد و هم اکنون نیز کمابیش چنین است، لکن با وجود این سخت‌گیری‌ها حتی در مغرب زمین

نیز زیست‌شناسان و دیرینه‌شناسان بسیاری با آن به مخالفت پرداختند. در این کارگاه بیشتر نقد و بررسی داروینیسیم از دیدگاه زیست‌شناسی و دیرینه‌شناسی مدنظر قرار گرفته است. ایشان پس از بیان نقدهای علمی چه در ساحت نقضی و چه ایجابی، پیش فرض‌های نظریه داروین را مطرح و تفصیلاً آنها را نقد کردند.

در بخش دیگر کارگاه، دکتر وحدتی نسب عضو هیات علمی دانشگاه از گروه باستان‌شناسی و دکتر حسین عبدالتهرانی از گروه شیمی به طرح نظرات خود در زمینه تکامل زیستی پرداختند. در ادامه استاد فلسفه دانشگاه تربیت مدرس ضمن پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، دیدگاه‌های مختلف در

زمینه ایده تکامل و ساحت گوناگون آن را بیان داشتند. دکتر فلاح رفیع در بخش پایانی به این موضوع پرداختند که در صورت رد تکامل زیستی شبهاتی مطرح است که دین‌داران و معتقدین به وحی می‌بایست برای آن پاسخ مستدل و قانع‌کننده داشته باشند. ایشان در این بخش به برخی از آن مهمترین شبهات از جمله آفرینش حضرت آدم (علیه السلام) در متون مقدس و زمان آن، شباهت‌های موجود بین انسان امروزی و انسان ریخته‌ها، وجود قوانین حاکم بر جهان، تکامل درون سیستمی و غیره پرداخته و پاسخ آن را به طور مشروح بیان داشتند.

معارف دینی و همچنین نیل به اهداف متعالی ما در زندگی کمک کند. ماه مبارک رمضان فرصت خوبی است که با توجه و تفکر بیشتر به دعاهایی که خواندن آنها در شب‌ها و روزهای ماه مبارک سفارش شده به این منظور برسیم. در یکی از همین دعاها امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: خدایا مرا از کسانی قرار ده که دینت را به وسیله آنها یاری می‌کنی و این جایگاه مرا به حضور دیگری تبدیل مکن. گر چه که همه‌ی ما در انتخاب مسیر و روش زندگی خود، مختاریم و باید نتیجه آن را به عهده بگیریم اما این نکته حایز اهمیت است که در انتخاب دو مسیر خوب و بد (که آن را راه دین خدا و یا عدم همراهی و یاری با آن می‌نامیم) بهتر آن مسیری است که انسان با خداوند معامله می‌کند. از این روست که در آیه هفت سوره محمد خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد و گام‌هایتان را استوار می‌دارد. بر ما پوشیده نیست که خداوند نیازی به یاری ما ندارد اما این یاری در واقع کمک به خود است. باید در این مسیر حضور داشت و از خداوند خواست تا این توفیق را از انسان سلب نکند. این یاری رساندن و آماده بودن فقط به معنای آمادگی نظامی نیست. بلکه باید در همه عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که کشور بدان نیاز دارد، آمادگی یاری به انقلاب و اسلام و هم حضور در میدان‌ها و عرصه‌های مختلف را داشته باشیم.

سال چهارم / شماره بیست و نه / نیمه اول تیر ماه ۱۳۹۵

Vol.4 / No.29 / July 2016

کانال تلگرام: telegram.me/cheshmehmag

وبسایت: www.nahad.modares.ac.ir

پست الکترونیک: cheshmeh@modares.ac.ir

تلفن: ۸۲۸۸۳۲۹۰ / فکس: ۸۸۰۰۷۸۰۰

## فهرست ...

### فرهنگی

۲..... کرامت حق منه، سهم منه!

۳..... عصر اسارت علم!

۴..... امیر دولادیا

### سلامت

۵..... آنچه که از سرطان نمیدانید!

### سیاست

۶..... دشمنی که هست!

### فناوری

۷..... دیگه چه خبر!

### ادبیات

۸..... آخرین سرود

۹..... خوشگل شدی ولی مثل بقیه!

### دانشگاه ما

۱۱..... آنشب دعای مجیر هم به

شوق تو ... فریاد زد تعالیت یا کریم

۱۲..... باید در تولید علم، همانند

فناوری هزینه کنیم

## سیر آغاز

### سیامک شادکام

### آماده باشیم

توجه به ادعاهای که از طریق ائمه اطهار (علیهم السلام) به ما رسیده، می‌تواند به ارتقای



معارف دینی و همچنین نیل به اهداف متعالی ما در زندگی کمک کند. ماه مبارک رمضان فرصت خوبی است که با توجه و تفکر بیشتر به دعاهایی که خواندن آنها در شب‌ها و روزهای ماه مبارک سفارش شده به این منظور برسیم. در یکی از همین دعاها امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: خدایا مرا از کسانی قرار ده که دینت را به وسیله آنها یاری می‌کنی و این جایگاه مرا به حضور دیگری تبدیل مکن. گر چه که همه‌ی ما در انتخاب مسیر و روش زندگی خود، مختاریم و باید نتیجه آن را به عهده بگیریم اما این نکته حایز اهمیت است که در انتخاب دو مسیر خوب و بد (که آن را راه دین خدا و یا عدم همراهی و یاری با آن می‌نامیم) بهتر آن مسیری است که انسان با خداوند معامله می‌کند. از این روست که در آیه هفت سوره محمد خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد و گام‌هایتان را استوار می‌دارد. بر ما پوشیده نیست که خداوند نیازی به یاری ما ندارد اما این یاری در واقع کمک به خود است. باید در این مسیر حضور داشت و از خداوند خواست تا این توفیق را از انسان سلب نکند. این یاری رساندن و آماده بودن فقط به معنای آمادگی نظامی نیست. بلکه باید در همه عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که کشور بدان نیاز دارد، آمادگی یاری به انقلاب و اسلام و هم حضور در میدان‌ها و عرصه‌های مختلف را داشته باشیم.





## کرامت حق منه، سهم منه!



زهرا سمیعی زفرقندی  
دانشجوی دکتری فقه و حقوق



تا کی می خواهی به تحقیر کردنت ادامه بدهی؟! مخاطب این سؤال چه کسی میتونه باشه؟! دانشجویی که سر کلاس پایش را جلوی استاد روی صندلی جلویی دراز می کند؟ یا استادی که با سؤال دانشجو مواجه شده و چون پاسخ را نمی داند، سر او فریاد می زند که این چه سؤالی است؟ یا پلیسی که در یکی از جاده های کشور با دیدن حجم ترافیک به تمسخر و خنده روی می آورد؟ یا جوانی که با پرخاش به والدینش، اشک های حلقه شده آنان را نمی بیند؟ یا پدری که با کتک زدن و زورگویی، فرزندش را به سمت اعتیاد سوق داده؟ یا مادری که به رابطه عاطفی خود و فرزندش توجهی ندارد، و برای او وقت نمی گذارد؟

یا پسری که برای گرفتن پول توجیبی سر پدر خود داد می زند؟ یا دختری که با بی سواد خواندن مادرش، او را مسخره می کند؟ یا شوهری که تمام اقتدار خود را در دستور دادن و فریاد زدن سر همسرش می بیند؟ یا دوستی که تمام رفاقت را ندید گرفته و زیر آب دوستش را می زند؟ یا مدیری که شأن کارمندان خود را حفظ نمی کند؟ یا کارمندی که وظیفه خود را در انجام کارها نسبت به ارباب رجوع انجام نمی دهد؟ یا فروشنده ای که اجناس تاریخ گذشته را می فروشد؟ یا خریداری که فقط به فکر خریدن یک برند خاص است، و به تولید داخلی هیچ توجهی ندارد؟ (و مدام می گوید جوانان

بیکارند) عجب؟! یا مسافر کشتی که از تاکسی های موجود در خطوط تاکسیرانی در سوار کردن مسافر سبقت می گیرد؟ یا راننده ای که جلوی چشمان رفتگران اشغال آبمیوه اش را از ماشین به بیرون پرت می کند؟ یا شهروندی که از حقوق شهروندی دم می زند، ولی به حقوق همسایه خود احترام نمی گذارد؟ یا مسئولی که اشتباه و خطا می کند، دوباره اشتباه می کند و چندین بار اشتباه می کند و به روی خود نمی آورد و باز هم اشتباه می کند؟ یا کاربری که با ایجاد یک پروفایل غیر واقعی در تمام صفحات می چرخد و فحش نثار دیگران می کند؟ یا فرد مشهوری که به الگو بودنش توجهی نداشته و رفتاری غیر ارزشی

انجام می دهد؟ (تازشم فیلم میگیره، خب بالاخره یکی پیدا میشه پخش میکنه دیگه) یا فیلمسازی که با ساختن فیلم بی محتوا وقت مردم را می گیرد؟ یا مخاطب هر که باشد، آیا نمی داند خداوند بعد از آفرینش انسان، خود را بهترین خلق کنندگان (احسن الخالقین) می خواند؟ آیا نمی داند انسان مهمترین دستاورد خلقت است؟ آیا نمی داند خداوند انسان را جانشین خود بر روی زمین قرار داده است؟ آیا نمی داند طبق آیه قرآن (و لقد کرمنا بنی آدم ...) انسان موجودی با ارزش، محترم و برخوردار از کرامت و منزلت است؟ آیا نمی داند مطابق با همین شأن و منزلت باید با او برخورد کرد؟ آیا نمی داند حقوق بشر بر پایه کرامت

انسانی وضع شده است؟ آیا نمی داند در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کرامت (Dignity) یک اصل محوری است؟ آیا نمی داند کرامت، ارزش گذاری و احترام از حقوق مسلم هر انسانی است؟ آیا نمی داند حفظ کرامت متلازم با حفظ حقوق افراد است؟ آیا نمی داند کرامت یعنی در مقابل هر انسانی، اخلاق و رفتار پسندیده داشته باشیم و ارزش او را حفظ کنیم؟ آیا نمی داند ما در این جهان نقشهای مختلف داریم، و در هر نقشی باید بهترین رفتار را از خود به نمایش بگذاریم؟ آیا نمی داند نقض حقوق دیگران و یا رفتار ناپسند با افراد به نوعی تحقیر کردن آنها به شمار می آید؟ پس تا کی می خواهد به تحقیر کردنش ادامه دهد؟!

## پیکره دانش و اقتدار تمدنی



لنکرانی است. چقدر جالب! یک کتاب با سه شرح، تبدیل شد به ۲۸ جلد کتاب. هر ۴ تنی که نام برده شد از بزرگان یکی دو قرن اخیر حوزه های علمیه هستند. ولی به جای آنکه اقدام به تالیف یک کتاب مجزا کنند، بر کارهای عمیق و با کیفیت قبلی شرح زدند و آن را بسط دادند. از همین طریق حوزه علمیه به یک دیگ جوشان علمی تبدیل شده است که حداقل در مباحث نظری کمتر کسی را پارای تقابل با آن خواهد بود. ولی متأسفانه این سنت حسنه و روش پسندیده در دانشگاه ها پیگیری نمی شود. یعنی آنکه اگر استادی یا دانشجویی یک کتاب خوب، یک مقاله پربار و یا یک پایان نامه عمیق نوشتند، آن کار به احتمال زیاد مابین حجم زیادی از کارهای کم عمق و سطحی گم خواهد شد. کسی آن را جدی نخواهد گرفت و آرای آن کتاب و مقاله و پایان نامه، نه نقد علمی و دقیق می شوند و نه بسط و شرح داده خواهند شد. و این است که ما همچنان در اول وصف تو ماندیم! همچنان در بدیهیات بسیاری از رشته ها محتاج ترجمه و گدائی علمی در آستان دانشگاه های غربی هستیم.

ادامه در صفحه ۳

بومی نیازمند شرح و تفصیل یا حتی نقد و ابطال کارهای انجام شده قبلی در داخل کشور هستیم. برای نمونه مثالی می آورم. آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی از فقهای بزرگ شیعه هستند و صاحب کتابی به نام ذخیره الصالحین. رسم در حوزه های علمیه آن است که اگر کتاب خوب و پرمایه ای به رشته تحریر درآمد، دیگران کاری را از نو انجام نمی دهند، بلکه بر آن کتاب شرح می دهند، مفاهیم آن را بسط می دهند، مباحث ثقیل آن را توضیح می دهند و احیاناً اگر نقدی بر کتاب دارند در شرح خود بیان می کنند. خلاصه آنکه راه کتاب قبلی را ادامه داده، آن را به روز کرده، نواقصش را رفع و تکمیل می کنند. در همین راستا فقیهی بزرگ همچون آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی بر ذخیره الصالحین شرحی می زند با عنوان وسیلة النجاة. حضرت امام خمینی (ره) در ادامه بر کتاب دوم یعنی وسیلة النجاة شرحی می زند که ماحصل آن کتاب معروف تحریر الوسیله می شود. ولی کار به اینجا ختم نشده و دیگرانی نیز بر همین کتاب شرح هایی می دهند که مفصل ترین آن مجموعه ۲۸ جلدی تفصیل الشریعه از آیت الله فاضل

نمی کنیم پایان نامه (های) قبلی کار شده در آن حیطه است. هر کسی یک راهی را برای خودش باز میکند که هیچ یک از این راهها هم هیچگاه تکمیل نمی شوند. برای رسیدن به علم بومی نیازمند ایجاد پیکره دانش هستیم و برای ایجاد چنین پیکره ای، یکی از راههای موجود این است که دانشجویان برای کار بر روی هر موضوعی، کارهای انجام شده توسط دانشجویان قبلی را حتماً نگاه کنند. ببینند چه کسانی چه کاری انجام داده اند، به چه نحو و با چه کیفیتی انجام داده اند، چه کارهایی باقی مانده است و کشور به چه پژوهش هایی نیازمند است. در واقع برای ایجاد یک پیکره دانش

چه ماند؟ به زنبور بی عسل! علم باید بومی بشود، ریشه دار شده و دارای یک گذشته تاریخی باشد تا بتواند هدایت جامعه را در دست گیرد. برای تولید علم بومی، ما نیازمند وجود یک پیکره دانش هستیم که متأسفانه الان در کشور وجود ندارد. مثلاً من یا شما یا هر فرد دیگری یا به کلی نمی توانیم، و یا در بعضی از علوم اسلامی به سختی خواهیم توانست که تاریخچه علم مورد نظر را در ایران در چند دهه و حتی گاهی چند سده اخیر ردگیری و رهگیری کنیم. یکی از دلایل نبود پیکره دانش این است که من و شما دانشجو برای نگارش پایان نامه مان به تنها چیزی که رجوع



علی حسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت سازمان های دولتی



حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند که: «العلم سلطان»؛ علم منبع قدرت و تسلط است. اما چه علمی؟ علمی که ریشه دار باشد، بومی باشد و با تحريم های علمی متوقف نشود. خود علم اگر به مرحله کاربرد نرسد هیچ ارزشی ندارد. علم محض، اگر به عمل منجر نشود حتی از جهل نیز بدتر است؛ که گفت: عالم بی عمل به



زهرا حمیدی سوها

دانشجوی کارشناسی ارشد  
مطالعات زنان  
دانشگاه تربیت مدرس

## عصر اسارت علم!

این مسئله بدیهی است که اگر علم به دست قدرت‌های سیاسی و غیرالهی بیفتد تبدیل به ابزاری برای قدرت سیاسی می‌شود. باید اعتراف نماییم که امروز ثروت بسی بهتر از علم است چرا که آدمی، آدمیت خویش را گم کرده است.

اینطور می‌گویند که علت اصلی این است که ما امروز

در حوزه‌ی علوم مختلف از بسیاری کشورهای توسعه یافته عقب‌تر هستیم و این مسئله را نیز کاملاً پذیرفته و دچار خودباختگی عظیمی شده‌ایم. لذا ذوقی برای ادامه‌ی مسیر رفته دیگران نداریم، اگر هم برویم چیزی به آن صورت که مد نظرمان است دستمان را پُر نمی‌کند و ترجیح می‌دهیم به سراغ کسب ثروت رفته، علم آموزی را به مراحل بعدی زندگی و یا به نیستی بسپاریم.

بدان عمل نمی‌کنند مثل آن خراست که کتاب‌هایی را حمل می‌کند».

این آیه هر چند در ظاهر به دارندگان تورات و اندیشمندان آنها نظر دارد اما در ورای معنای ظاهری آن نکته‌ی عظیم و ژرف نهفته است که بیان می‌دارد آنانی که به ظاهر بسیار عالماند اما این علم را با روح و قلب و عقلشان در هم نیامیخته‌اند همانند موجودی فاقد شعورند که تنها کار مهمش حمل باری گران است اما اندکی بر آنچه در پشت خویش نهاده است آگاه نیست. امروز اگر علم مژه تقوار ندارد از آن روست که ما هدف اصلی را گم کرده‌ایم. زندگی را لابه‌لای میل به اندوختن ثروتی گم کردیم که زمینه‌ی اصلی تشویقی‌اش تمایل شدید به دنیا و هوی و هوس‌های آن است. ما علم را ابزاری در کف قدرت و اقتصاد دانستیم. در همین راستا علامه مطهری کلام زیبایی دارند ایشان در کتاب اسلام و نیازهای زمان اینگونه می‌نگارند: «در هیچ دوره‌ای به اندازه‌ی دوره‌ی ما علم اسیر و برده نشده است. اسم این دوره را نباید عصر علم گذاشت، باید عصر بردگی علم گذاشت. عصر اسارت علم!»

حداقل برای اینجانب کافی و وافی نبوده و نیستند. از دیگر سو حتی غربی‌هایی که قدم‌هایشان بسی فراتر از ماست نیز در نوع تفکر انسانی موفقیت چندانی نداشته‌اند. آنها شاید امروزه بهترین روش‌ها را دارا باشند و دارنده بهترین وسایل و سلاح‌ها باشند اما آنچه که می‌بایست داشته باشند و ندارند آن روح عظیم انسانی است، آن نخ اتصال است که انسان را همچون اعضای یک بدن به هم متصل می‌کند. جمع بندی دو سوال فوق اینجاست که روزگاری علم، تواضع می‌آورد و روح را صیقل می‌داد، روزگاری افلاطون می‌گفت: «دنیا آن روزی به سعادت نائل خواهد شد که حکیمان، زمامداران باشند» پس چرا امروزه که نه تنها زمامداران بلکه اکثریت مردم تحصیل کرده‌اند و به قولی صاحب علم این مدینه‌ی فاضله تحقق نیافت؟ در غرب که هر سه مولفه‌ی علم، ثروت و قدرت در هم آمیخته است چرا این آرزو به منصفی ظهور نرسید؟ به نظر می‌رسد که قرآن کریم در آیه‌ی ۵ سوره‌ی مبارکه جمعه بسیار زیبا این سوال را پاسخ گفته‌اند: مثل کسانی که تورات به آنها داده شده و

هدفشان افزایش ثروت بدین طریق است نه خردمندتر شدن و پرورش روح معنوی. سوالی بس عمیق‌تر آنست که چه شد که تفکر ما بدان سو پیش رفت که علم باید در راستای تحقق ثروت باشد؟ این پرسش از آنجا نشأت گرفت که علمی که ثروت افزونی نمی‌کردند را درجه‌ی دو خواندیم و در این راستا علوم انسانی را به قعر جدول فروانداختیم. روزگاری بود که تمامی مبادی علوم جدید در دست مسلمانان بود، مسلمانان اهل تفکر و تفقه بودند و تمام زندگیشان از گهواره گرفته تا گور را صرف مطالعه و تحقیق می‌نمودند اما چرخه‌ی این پیشرفت از آنان روی برتافت و در مسیری برعکس به نفع غربی‌ها به چرخش خویش ادامه داد. امروز ما در اکثر عرصه‌ها چشم به انتظار نتایج تحقیقات آنان می‌نشینیم و پس از گذر زمانی تقریباً اندک آن نتایج را دریافت کرده و در مراکز علمی خویش به کار می‌بریم. برای این مشکل معضل‌وار علل متفاوتی همچون ضعف و کمبود اقتصادی، کمبود قدرت، کمبود مراکز فوق پیشرفته برای آموزش تخصصی و... بیان شده است. اما این دلایل

جمله کلیشه‌ای علم بهتر است یا ثروت سالیان سال موضوع انشای بسیاری از ما بوده است. آن زمان همه با هم یک صدا بودیم که علم بدون شک از ثروت برتر و بهتر است اما نوجوانان و حتی برخی از خود ما امروز دیگر چنین تفکری را پذیرا نیستیم و اگر به گذشته‌های نه چندان دور بازگردیم مسلماً نوشته‌ی خود را تغییر خواهیم داد. پرسش اینجاست که چه بر سر ما آمد که تفکرمان دچار چنین تحول بنیادینی گشت؟

اینطور می‌گویند که علت اصلی این است که ما امروز در حوزه‌ی علوم مختلف از بسیاری کشورهای توسعه یافته عقب‌تر هستیم و این مسئله را نیز کاملاً پذیرفته و دچار خودباختگی عظیمی شده‌ایم. لذا ذوقی برای ادامه‌ی مسیر رفته دیگران نداریم، اگر هم برویم چیزی به آن صورت که مد نظرمان است دستمان را پُر نمی‌کند و ترجیح می‌دهیم به سراغ کسب ثروت رفته، علم آموزی را به مراحل بعدی زندگی و یا به نیستی بسپاریم. نهایتاً اینکه مدرک گزینانی می‌شویم که به دانشگاه می‌آیند و حتی مقاطع بالا را طی می‌کنند اما تنها

## کان تحمل که تو دیدی همه بر باد آمد

پادشاه

نشستند و حسن ختام این قصه را شاید شنیده باشی تاب نیاوردن همام را و آن فریاد سرمستی که همه‌ی جانش را از تن خاکی به در کرد در محضر مولا ...

این واقعه را که مرور می‌کنم، فکر می‌کنم شاید همام از همان فراز اول خطبه امام، از اندیشه‌ی «منطق صواب» قالب تهی کرد و تاب آوردنش تا به پایان وصف متقین، ادای ادب حضور بود. محضر «علی» ساقی مستان، ماه غریستان ...

مرگ همام را عجیب نمی‌پنداری اگر بدانی کلام مولا کدام روزنه‌های معرفت را بر دل و جانش گشود، که شاید یکی شان همین آیه ۲۸ سوره ق است: انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر این که همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای ثبت آن است.

در محضر مولایش نشسته به تمنای جرعه‌ای از بیکران علم و معرفتش... چقدر بگویم از دل آشوبه‌ی همام، این مرد بیدار کوفه‌ی در خواب رفته؟ بگذار خودش بگوید: «متقین را به من بنمایان چنانکه گویی در آنها می‌نگرم»

کیست که بداند بر همام چه گذشت آن دم که مولا لب گشود و اهم خصال متقین را اینگونه گفت:

«زبان جز به صدق نمی‌گشایند، لغو و بی‌بهره بر زبان نمی‌رانند.» در دل همامی که قرآن ناطق برایش از صفات متقین می‌گوید بنگر، تداعی قرآن مکتوب را می‌بینی در وصف مومنون: «قد افلح المومنون، الذین هم عن اللغو معرضون... آنان که از لغو و بی‌بهره‌ی روگردانند.»

صفات متقین یکی یکی بر کلام حضرت جاری گشت و نشانه‌ها جرعه جرعه بر وجود تشنه‌ی همام

### عاطفه سلطانی

دانشجوی کارشناسی ارشد هما تالوژی  
دانشگاه تربیت مدرس

کوچه‌های داغ و خاکی کوفه را تصور کن، ظهر هنگامی، شاید رمضان، که تو را با گام‌های سنگین و سینه‌ای پر از سوال برساند به مسجدی که بر منبرش مولایت علی تکیه زده، با نگاهی مهربان مشتاق پر از ندای «سلونی قبل ان تفقدونی»، این التهاب همام بن شریح بود در روزهایی که شنیده بود مولایش مدام از مردم طلب پرسش می‌کند: «از من بپرسید پیش از آنکه مرا از دست دهید، چرا که من به راههای آسمان آشناترم تا راههای زمین» تصور می‌کنی سوالی که پاسخش این همه التهاب همام را التیام بخشد، چه باشد؟ آنگاه که دو زانو

را به دوش نمی‌کشند؟ مگر ادبیات مرتبط با موضوع را پوشش نمی‌دهند؟ جواب یک کلمه است: خیر! اولاً در فصل دوم متونی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند که در خارج از کشور منتشر شده‌اند. با مطالعه متون خارجی نمی‌توان انتظار داشت که پیکره بومی دانش تولید شود. البته نمی‌گویم متون خارجی مطالعه نشود، بلکه می‌گویم اولویت با متون تولید داخل باشد حتی اگر سطح مطالب علمی‌شان نسبت به متون خارجی در درجه پایین‌تری قرار بگیرد. ثانیاً آنکه در بسیاری از موارد شاهد هستیم که دانشجو اول فصل چهارم و پنجم را انجام می‌دهد و سپس فقط با نیت افزایش تعداد مراجع و رفرنس اقدام به نگارش فصل دو می‌کند که معمولاً هم نه خودش چیزی متوجه می‌شود و نه خواننده. در حالیکه صحیح آنست که سوالاتی که قرار است در فصل چهارم پاسخ داده شوند از دل فصل دوم دربیایند و مطرح شوند. فصل دوم فعلی ما شانی کمتر از شان یک دکور دارد!

برای تحقق آن تمدن نوین اسلامی اول نیازمان تولید علم بومی است و برای تولید علم بومی نیز در ابتدا نیازمند مطالعه آثار تولیدی توسط اساتید و دانشجویان خودمان هستیم. آنها را نقد کنیم، بسط و شرح دهیم و نواقصشان را رفع و تکمیل‌شان کنیم. در دانشگاه‌ها این مهم باید به بهترین شکل و با بیشترین تمرکز مورد توجه قرار بگیرد که حداقل در عرصه دانشجویی و در مقطع نگارش پایان‌نامه ارشد و رساله دکتری، دانشجو حتماً باید کارهای قبلی مرتبط با موضوع خود را مطالعه کند، نواقصشان را دریابد، حتی نتایج مطالعه خود را به شکل یک مقاله علمی- ترویجی ارائه کند و سپس این اجازه را داشته باشد که در آن راه قدمی بردارد. فکر می‌کنم این تنها مسیر تولید علم بومی است، و علم بومی نیز از الزامات قطعی تحقق تمدن نوین اسلامی. البته شاید در ذهن شما مخاطب این سوال ایجاد شود که خب پس فصل دوم پایان‌نامه‌ها که به ادبیات تحقیق تعلق دارند مگر همین وظیفه





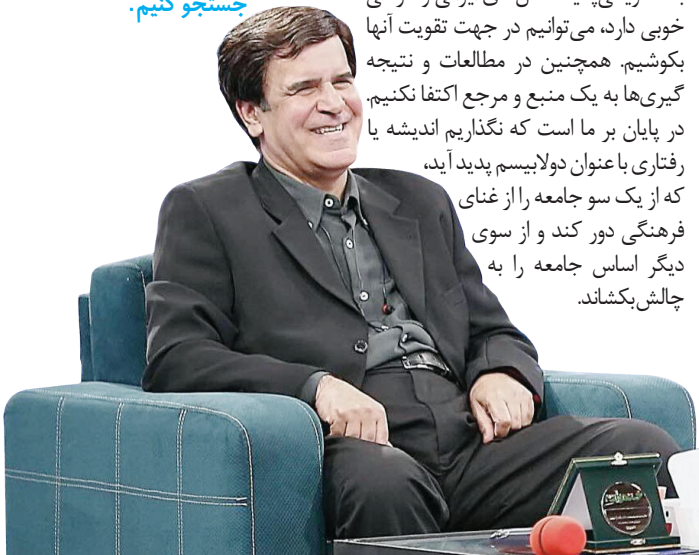
محمد رافعی

دانشجوی دکتری تاریخ



# امیر دولاپدیا

چند سال پیش از یکی از اساتید و شرق شناسان سرشناس خواستم تا در مورد موضوعی علمی یاری‌ام کند. منابعی معرفی کرد و در بین آنها، چند مقاله از ویکی‌پدیا وجود داشت. راستش جا خوردم و با خود اندیشیدم که آیا در آن سطح علمی، یا در آن کشور ویکی‌پدیا منبع علمی است؟ ما این دانشنامه عمومی را فقط برای کارهای سطحی می‌شناسیم. حتی در این حد که آقای علیفر را به خاطر استفاده از این پایگاه سرزنش می‌کنیم. حال چرا استادی در آن سطح به آن ارجاع می‌دهد؟! برایم مسلم شد که نکته را باید بیش از هر چیز در رفتار خودمان جستجو کنیم.



نامناسب. آنچه برای شخص نویسنده پیش آمد جالب‌تر از موضوع دولاب امیر بود. زمانی که عزیزی مقاله‌ام را با توجه به ویکی‌پدیا داوری کرده بود و البته که به خطا رفته بود. ماجرای امیر دولاب می‌تواند چالشی برای بازاندیشی در مورد ارزش و جایگاه علمی منابع اطلاعاتی باز باشد. تلاشی کنیم تا حداقل ساحت دانشگاه - خصوصاً دانشگاهی چون تربیت مدرس - از سطحی شدن میرا باشد. ویکی‌پدیا معادل‌های ایرانی و فارسی خوبی دارد، می‌توانیم در جهت تقویت آنها بکوشیم. همچنین در مطالعات و نتیجه‌گیری‌ها به یک منبع و مرجع اکتفا نکنیم. در پایان بر ما است که نگذاریم اندیشه یا رفتاری با عنوان دولابیسیم پدید آید، که از یک سو جامعه را از غنای فرهنگی دور کند و از سوی دیگر اساس جامعه را به چالش بکشد.

علمی است؟ ما این دانشنامه عمومی را فقط برای کارهای سطحی می‌شناسیم. حتی در این حد که آقای علیفر را به خاطر استفاده از این پایگاه سرزنش می‌کنیم. حال چرا استادی در آن سطح به آن ارجاع می‌دهد؟! برایم مسلم شد که نکته را باید بیش از هر چیز در رفتار خودمان جستجو کنیم. ویکی‌پدیا به مخاطبانش احترام می‌گذارد و اعتماد می‌کند. آن زمان ما می‌رویم و "ترین‌ها" را به نام خودمان تغییر می‌دهیم، کشاکش‌های عقیدتی‌مان را آنجا فریاد می‌زنیم، گاهی برای تفریح یا تخریب دست به ویرایش‌های نادرست می‌زنیم. خلاصه آنکه اعتبار و بی‌اعتباری اینگونه پایگاه‌ها از رفتار مخاطبانشان مایه می‌گیرد. در این شرایط و با توجه به آنچه رفت، برای جامعه‌ی ایرانی نسخه پیچیدن کار سختی است. اما از دانشجویان تحصیلات تکمیلی که اینک مخاطب این نوشته هستند می‌توان انتظار یاری داشت. پایگاه‌های باز اطلاعاتی می‌توانند در جای خود مستند باشند و غیرمستند، می‌بایست نگاه کلی به همه‌ی مقالات را کنار گذاشت و پذیرفت که از مقاله علمی معتبر تا مطلبی عامیانه و غیر مستند در آن یافت می‌شود. به گونه‌ای می‌توان گفت این منابع برای شروع کار مناسباند و برای تعمیق پژوهش‌ها

سرگردانی در فضای تلگرام است. مخاطب هم عام است، دانشجوی، دانش آموز یا جز آن فرقی نمی‌کند. منکر سودمندی‌های این گونه برنامه‌ها نیستیم اما زبان‌ها نیز کم نیستند. مقدار زمانی که هدر داده می‌شود تنها بخشی از این زبان است که متوجه حال ما می‌شود. تضعیف روابط اجتماعی، افزایش تشویش و پراکندگی ذهن، سطحی نگری، و بسیاری مسائل از این دست شرایطمان را بدتر خواهد کرد اگر برای این ابزارها چهارچوبی مشخص نداشته باشیم. چهارچوب مشخص به این معنا که بدانیم هر روز چند دقیقه و در چه زمانی از روز مجاز هستیم از تلگرام استفاده کنیم. اجازه ندهیم تلگرام برای زندگی ما تصمیم بگیرد. این ما هستیم که برای نرم افزارهایمان چهارچوب تعریف می‌کنیم.

**درنگ دوم:** موضوع دیگری که امیر دولاب باعث شد تا بیشتر به آن بیاندیشیم منابع اطلاعاتی باز و از جمله ویکی‌پدیا است. چند سال پیش از یکی از اساتید و شرق شناسان سرشناس خواستم تا در مورد موضوعی علمی یاری‌ام کند. منابعی معرفی کرد و در بین آنها، چند مقاله از ویکی‌پدیا وجود داشت. راستش جا خوردم و با خود اندیشیدم که آیا در آن سطح علمی، یا در آن کشور ویکی‌پدیا منبع

**درنگ نخست:** زمانی مشهور شدن رنج بسیار می‌طلبید، امروزه فقط کمی خلاقیت و گاهی اندکی جسارت می‌خواهد. چرا که عصر ارتباطات باعث شده تا در رقابت نو بودن، موارد تازه برای انتشار کم بیآوریم. روزگاری یک کتاب یا داستان را بارها و بارها می‌خواندند و روایت می‌کردند. داستان‌های شاهنامه و حسین کرد شبستری را قدیمی‌ها بیش از صد بار شنیده بودند. اما امروز تلگرامی هست که می‌گوید این عکس را چند نفر دیده‌اند و جالب آنکه برای هر که هم می‌فرستی پاسخ می‌دهد تکراری است. روزگاری شده است! در این آشفته بازار که نشر "بی‌ارزشها" باب شده، موارد تازه و نو جا پیدا می‌کنند. دست به دست و گروه به گروه منتقل می‌شوند و در کمتر از دو روز امیر دولاب را به ملتی می‌شناسانند. بله به همان ملتی که کسانی چون عطار نیشابوری را نمی‌شناسند. این سطحی شدن دغدغه‌های اجتماعی، دردی است گران.

شاید صحبت کردن در این مورد کلیشه‌ای شده باشد اما نمی‌توان از آن به سادگی گذشت. میانگین حضور در فضای صرف تلگرام در ایران بیش از حد تصور است. هر چند تحقیق جدی و جامعی در این زمینه صورت نگرفته، ولی می‌توان گفت که سرانه‌ی مطالعه کمتر از یک دهم سرانه



## اینترنت با مغز ما چه می‌کند؟



در مغز کتاب‌خوانان ناحیه‌هایی اختصاصی برای رمزگشایی سریع متن ایجاد می‌شود. این نواحی چنان مداربندی شده‌اند که نماینده اطلاعات بصری، آواشناسختی و دستور زبانی مهم باشند و بتوانند این اطلاعات را با سرعت برق‌آسایی بازیابی کنند. برای مثال در قشر بینایی مغز «کلایز واقعی» از تشکلهای نورونی‌ای تشکیل می‌شود که وظیفه‌شان این است که در کسری از میلی ثانیه «تصویر بصری حروف، الگوی حروف و کلمات» را شناسایی کنند. مغز با زبردست‌تر شدن در رمزگشایی متن و تبدیل آن از یک فعالیت حل مسئله و طاققت‌فرا به فرآیندی که در اساس خودکار انجام می‌شود، می‌تواند منابع بیشتری را به تفسیر معنا اختصاص بدهد. در نتیجه، آن چه امروزه مطالعه عمیق (ژرف‌خوانی) می‌خوانیم ممکن می‌شود.

جیکوب نیلسن در سال ۲۰۰۶ دست به آزمایشی بر روی ردگیری چشم وب‌گردان زد. او از ۲۳۲ نفر خواست که دوربین کوچکی را سرشان کنند. کار این دوربین تعقیب حرکات چشم افراد در زمان مطالعه صفحات متن بود. وی دریافت که تقریباً هیچ یک از شرکت‌کنندگان متن برخط را به صورت سنتی خط به خط - مثل مطالعه یک صفحه از کتاب - نمی‌خوانند. بیشترشان انگار به سرعت سرشیر متن را می‌گرفتند و چشم‌شان با الگویی تا حدودی شبیه به حرف F روی صفحه حرکت می‌کرد. در آغاز، سر تا ته دو سه خط اول را از نظر می‌گذراندند، بعد چشم‌شان کمی پایین

می‌آمد و چند خط دیگر را تقریباً تا نصف می‌خواندند. سپس می‌گذاشتند که چشم‌شان به سرعت به سمت چپ پایین صفحه بلغزد. در بخشی از یک مطالعه پنج‌ساله، یک تیم تحقیقاتی به بررسی سوابق روی کامپیوترها پرداختند که رفتار بازدیدکنندگان از دو وب‌سایت تحقیقاتی محبوب را مستند می‌کرد. هر دو سایت دسترسی به مقالات نشریات و کتاب‌های الکترونیکی را برای کاربران فراهم می‌کردند. محققان دریافتند که کاربران این وب‌سایت‌ها مشخصاً رفتاری به صورت یک فعالیت سطحی‌خوانی از خود نشان می‌دهند؛ به طوری که از یک منبع به دیگری می‌جهند و به ندرت به منبعی که قبلاً دیده بودند، برمی‌گردند. اغلب، یک یا دو صفحه از مطلبی را می‌خوانند و بعد بیرون می‌پزند و سراغ منبع دیگری می‌روند.

حال زمان پرسش حیاتی فرارسیده است: دانش در مورد تأثیر واقعی‌ای که استفاده از اینترنت بر شیوه کارکرد ذهن ما می‌گذارد، چه حرفی برای گفتن دارد؟ شکی نیست که این سوال موضوع پژوهش‌های بسیاری در سال‌های آینده خواهد بود. همین الان هم چیزهای زیادی می‌دانیم یا می‌توانیم حدس بزنیم. اما اخبار نگران‌کننده‌تر از آنی است که گمان می‌کرده‌ایم. ده‌ها پژوهش صورت‌گرفته توسط روان‌شناسان، عصب زیست‌شناسان، مدرسان و طراحان وب، همگی به نتیجه مشابهی رسیده‌اند: وقتی بر خط می‌شویم، وارد محیطی

شده‌ایم که تشویق به مطالعه سراسری، تفکر عجولانه و بی‌حواس و یادگیری سطحی می‌کند. هر چند، در گشت‌وگذار در اینترنت هم می‌توان ژرف‌خوانی کرد، همان‌طور که کتاب را هم می‌توان سطحی خواند، اما ژرف‌اندیشی شیوه‌ای نیست که این فناوری کسی را به آن ترغیب کند.

کتاب «کم‌عمق‌ها» نوشته نیکلاس کار، در واقع نتیجه یک تحقیق گسترده و میان‌رشته‌ای در باب تأثیر فناوری اطلاعات به ویژه اینترنت و دیگر فناوری‌های وابسته به ساختار و شیوه تفکر بشر و در نتیجه شیوه مطالعه، نگارش و تعاملش با دیگران است. نویسنده در بخش‌های مختلف به فیزیولوژی مغز، کارکرد حافظه، تاریخچه فناوری‌های فکری، نقش موتورهای جستجوی وبی و به خصوص شرکت گوگل و دیگر موارد مرتبط می‌پردازد تا بتواند دلیل و نحوه تأثیر این فناوری را بر تفکر بشر نشان دهد تا در نهایت ریشه این بی‌حوصلگی در مطالعه را بیابد و نشان دهد که چرا عموم مردم قرن بیست و یکم، سطحی‌تر از گذشته مطالعه می‌کنند و با اینکه حجم بیشتری از اطلاعات در دست‌رسان است، «کم‌عمق» تر شده‌اند.

کتاب کم‌عمق‌ها با ترجمه امیر سپهرام، در ۲۴۸ صفحه، با شمارگان ۱۲۰۰ نسخه و به قیمت ۱۱۵۰۰ تومان از سوی انتشارات مازیار چاپ و روانه بازار کتاب شده است.





جواد بهروزی

دانشجوی دکتری ژنتیک  
پزشکی دانشگاه تربیت مدرس



### بخش اول: تاریخچه

همه‌ی ما در مورد سرطان چیزهایی شنیده‌ایم و برخی نیز آن را تجربه کرده‌ایم. هر ماه در خبرها وعده‌هایی از کشف "درمانی" برای سرطان در سال‌های نزدیک داده می‌شود، اما با این وجود شیوع بالای این بیماری را برای بسیاری از ما همچون معمایی جلوه می‌دهد. تصورات غلط فراوانی در مورد چیستی سرطان، علت آن و کارهایی که می‌توان برای درمانش انجام داد، وجود دارند. سرطان، اختلال در سلول‌های بدن است. همانند یک جنین و کودک در حال رشد، سلول‌های بدن ما نیز قادر به تقسیمات سریع هستند. هر قدر که ما پیرتر می‌شویم این فرآیندها نیز آهسته‌تر شده و معمولاً سلول‌ها فقط جهت جایگزین شدن با سلول‌هایی که صدمه دیده و یا مرده‌اند، تقسیم می‌شوند. سلول‌ها در بدن تحت کنترل دقیقی هستند تا در زمان‌های نامناسبی تقسیم نشوند؛ با این وجود گاهی می‌توانند در اثر صدمه‌ای خاص، جهت فرار از این کنترل دقیق، به مسیری دیگر سوق یابند. تقسیم بدون کنترل این سلول‌های صدمه دیده، باعث تشکیل تومور می‌شود.



## آنچه که از سرطان نمی‌دانید!

است. این نظریه تا حدود ۱۳۰۰ سال بعد توجیه‌کننده بیماری سرطان بود. طی این مدت کالبدشکافی و جست و جو در بدن بیماران و افراد فوت شده ممنوع بود به همین دلیل کماکان این تئوری باقیمانده بود و دانش پزشکی پیشرفت نمی‌کرد.

اولین تشخیص علمی علت سرطان در سال ۱۷۷۵ میلادی به وسیله ی دکتر "پرسیوال پات" پزشک بریتانیایی انجام شد. با اختراع میکروسکوپ و تلاش پزشکان مختلف به تدریج رمز و راز سرطان آشکار شد و بسیاری از سرطان‌ها شناخته شدند. در قرن هجدهم اولین بار "متاستاز" یا گسترش سلول‌های سرطانی با کمک میکروسکوپ برای پزشکان آشکار شد.

ابوعلی سینا؛ جراحی را روش درمان سرطان می‌دانست. او اعتقاد داشت که برای از بین بردن کامل سرطان، نه تنها بایستی توده سرطانی به طور کامل از بدن خارج شود بلکه وریدها و بافت اطراف سرطان هم خارج شوند و در صورت لزوم بافت اطراف سرطان سوزانده شود. این طبیب حتی در بعضی موارد قطع عضو را روش درمان سرطان می‌دانست. قبل از کشف داروهای بیهوشی، جراحی به سختی انجام می‌شد اما از سال ۱۸۴۶ که برای اولین بار بیهوشی انجام شد، جراحی به یک هنر تبدیل شد و برخی از سرطان‌ها با کمک جراحی درمان شدند.

بودند که این بیماری معمولاً یک بیماری کهنه است. مصریان باستان اعتقاد عمومی داشتند که سرطان توسط خدایان ایجاد می‌شود. این یونانیان بودند که به پیروی از رومی‌ها شروع به مطالعه‌ی سیستماتیک سرطان کردند. اصطلاح سرطان اولین بار توسط بقراط، پزشک یونانی به کار برده شد. از نظر بقراط یک تومور در زمان تهاجم و گسترش، او را به یاد خرچنگی با یک تنه‌ی مرکزی و زواید کناری می‌انداخت. او این بیماری را «کارسینوما» نامید. بقراط معتقد بود که بدن از ترکیب چهار مایع: خون، مخاط، صفرا و سیاه تشکیل شده است. اعتقاد او بر این بود که سرطان به علت ازدیاد صفرا و سیاه

درمان‌های موجود در مقایسه با سایر درمان‌ها بدهند. سرطان، نامی است که نه برای یک بیماری بلکه برای چند صد بیماری (انواعی که دارای یک ویژگی اساسی یعنی عدم وجود کنترل رشد نرمال هستند) نسبت داده می‌شود. در طول تاریخ، سرطان همیشه با انسان بوده است، از زمانی که انسانها نوشتن را آموخته‌اند به این بیماری اشاره‌هایی داشته‌اند. برخی از توصیف‌های اولیه از سرطان روی کتیبه‌های پاپیروس مصریان باستان با قدمت بیش از ۴۰۰۰ سال کشف شده‌اند. پاپیروس یک سری از تومورهای مختلف شامل سرطان پستان را توصیف می‌کند. باستانیان علت سرطان را نمی‌دانستند اما فهمیده

### سرطان فقط یک بیماری نیست!

اگر چه دیدگاه عموم به سرطان یک بیماری است، اما واقعیت چیزی بسیار پیچیده‌تر و جالب‌تر از اینهاست. بدن از بافت‌های مختلفی تشکیل شده و بیشتر این بافت‌ها دارای پتانسیلی برای توسعه‌ی یک یا چند نوع از سرطان‌ها هستند. تومورها می‌توانند در بافت‌هایی مانند مغز، دستگاه گوارش، پستان، پروستات، پوست، شش و حتی در خون که در حال گردش در بدن می‌باشد، حضور داشته باشند. تومورهایی که در بافت‌های مختلف تشکیل می‌شوند تمایل به داشتن ویژگی‌ها و سرعت رشد خاص خود هستند و ممکن است که پاسخ‌های بهتری به برخی

## عمرت به سلامت باد



نگر خود در مراقبت از بیماران بعد معنوی را در کنار ابعاد جسمی و روانی در درمان بیماران در نظر گرفت ولی در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ رابطه بین معنویت و پزشکی ضعیف‌تر شد و معنویت در مراقبت از جمعیت ایرانی مورد غفلت قرار گرفت. در جهان امروزی، یک جنبه بودن دستاوردهای علمی و دوری از تعلیمات پیامبران در زمینه اخلاق و معنویت موجب شده است تا با وجود همه پیشرفت‌های سریعی که در امر بهداشت و درمان و تشخیص صورت گرفته است، آسایش و سلامت بشر در زندگی ماشینی دستخوش تهدیدهای جدی قرار بگیرد. برای در امان ماندن از بحران بیماری‌های جسمی و روحی حاصل از تمدن مادی حاضر، که سلامت همه جانبه بشر را تهدید می‌کند، چاره‌ای جز بازگشت به تعلیمات پیامبران و ادیان آسمانی در زمینه اخلاق و معنویت و روابط سالم انسانی نیست. تنها تعلیمات دینی و الهی است که می‌تواند بشر را از شرایط فعلی نجات بخشد. این تعلیمات با نشان دادن راه خوب و بد به عنوان چراغ هدایتگر عمل می‌کند که انسان را به مناسب‌ترین راه هدایت می‌کند.

دکتر مردی سلامت معنوی را وضعیتی می‌داند که دارای مراتب گوناگون است که در آن متناسب با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فرد، بینش‌ها، گرایش‌ها و توانایی لازم برای تعالی روح که همان تقرب به خدای متعال است فراهم می‌باشد، به گونه‌ای که همه امکانات درونی به طور هماهنگ و متعادل در جهت هدف کلی مزبور بکار گرفته می‌شوند و رفتارهای اختیاری درونی و بیرونی متناسب با آنها نسبت به خدا، فرد، جامعه و طبیعت ظهور می‌یابد.

اگر چه رابطه بین معنویت و سلامت در پژوهش‌های پزشکی در حال به رسمیت شناخته شدن می‌باشد، ولی این پژوهش‌ها به طور عمده در کشورهای غربی انجام شده و در کشور ما علیرغم اینکه معنویت یک عنصر اساسی در زندگی مردم ایران می‌باشد که در فرهنگ و تاریخ آنها ریشه دوانده است، تحقیقات در این حیطه هنوز در مراحل ابتدایی می‌باشد. زکریای رازی در قرن دهم معتقد بود که ارتباط قوی بین سلامت معنوی و سلامت فیزیکی وجود دارد و عوارض جسمی بوسیله فقر سلامت معنوی قابل فهم و تبیین می‌باشند. این سینا نیز در دیدگاه کلی



حسن شهبازی

دانشجوی دکتری بهداشت و ارتقای سلامت دانشگاه تربیت مدرس



سلامتی (Health) را می‌توان تأمین رفاه جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی نه فقط نبودن بیماری و نقص عضو تعریف کرد. در حال حاضر هیچ اتفاق نظری در مورد تعریف معنویت وجود ندارد، در یک انتهای طیف، به معنویت مترادف با مذهب نگریسته شده است در حالی که در انتهای دیگر طیف برای تمام افراد فاقد ایمان یا اعتقاد به خدا نیز بکار می‌رود. برخی معتقدند که مذهب به تشویق و مناسک روزمره مثل نماز و روزه تمایل دارد اما معنویت سطوح جدید معنی و رای تمام عملکردها را جستجو می‌کند. مذهب و معنویت اگر چه مترادف نیستند، همپوشانی زیادی می‌تواند بین آنها وجود داشته باشد و به صورت تجربی هر دو جستجوی معنا و هدف، تفوق، اتصال و ارزشها را ممکن است شامل باشند.





هادی طلوعی

دانشجوی دکترای علوم سیاسی  
دانشگاه تربیت مدرس



سابقه تحریم‌های آمریکا علیه ایران

# دشمنی که هست!



همان تحریم‌کننده‌گان دیروز، امروز از اینکه ملت ایران دارد به قدرت اول نظامی منطقه تبدیل می‌شود، دارند دست و پا می‌زنند. جمهوری اسلامی نات کرده در دفاع از خود کاملاً متذکرانه عمل میکند. دشمنی ملت مثل یک صفت مستحکم گرد هم می‌آیند و در مقابل تجاوز و مهاجم غیر منطقی می‌ایستند. ۲۳/۱۰/۹۳

ناف اقتصاد ایران را با تحریم بریده‌اند! این عبارت عامیانه نشانگر حقایق بسیاری در مورد وضعیت اقتصادی کشورمان است. چنانکه از فرای پیروزی انقلاب، ایران با تحریم‌هایی از ناحیه ایالات متحده و اروپا مواجه شد. اولین مجموعه تحریم‌ها در سال ۱۳۵۸ و در پی ماجرای تسخیر لانه جاسوسی در تهران اعمال شد. جیمی کارتر، در آن دوران با صدور بیانیه‌ی تحریم واردات نفت از ایران پیش‌تاز این عرصه بود. وی همچنین با صدور دستورالعملی، تمام دارایی‌های جمهوری اسلامی در قلمرو آمریکا را ضبط کرد و واردات مستقیم یا غیرمستقیم و هر گونه پرداخت به ایران را ممنوع اعلام کرد. این کشور در دوران جنگ تحمیلی با هدف تنگ‌تر کردن دایره قابلیت‌های نظامی و ممانعت از پیروزی ایران در مقابله با عراق، تحریم‌های مالی و فناوری بیشتری را وضع کرد. آمریکا با متهم کردن ایران به دخالت در انفجار مقر نظامیان در بیروت، ممنوعیت تضمین‌های اعتباری و تحریم تسلیحاتی علیه ایران را به اجرا گذاشت. این تحریم‌ها در مرحله‌ی بعد به ممنوعیت صادرات قطعات صنعت هوایی و سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و واردات انواع کالا و خدمات مانند فرش تسری یافت. در دوران کلینتون نیز به بهانه‌ی حمایت ایران از تروریسم و تولید سلاح‌های کشتار جمعی، تحریم موشکی در راستای هدف قراردادن کشورها و شرکت‌هایی که به توسعه صنایع دفاعی کشور کمک می‌کردند، صورت گرفت. قانون داماتو در سال ۱۹۹۶ سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران را هدف قرار داد و سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار در این صنایع را ممنوع کرد. این قانون البته

در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ هم تمدید شد. در دوره‌ی بوش پسر، کشورهایی که با ایران معامله می‌کردند، تحت فشار قرار گرفتند و فروش تسلیحات متعارف به ایران توسط شرکت‌های خارجی ممنوع شد. اولین بار در این دوران مسئله‌ی فعالیت‌های هسته‌ای نیز مطرح شد. سیاستمداران آمریکایی با این حربه شدیدترین تحریم‌های وضع شده در طول تاریخ را علیه ایران اعمال کردند. وزارت خزانه‌داری آمریکا، بانک مرکزی و بانک‌های سپه، صادرات، صنعت و معدن، رفاه کارگران و مؤسسات مرتبط با صنعت بیمه را تحریم کرد. همچنین شرکت‌های هواپیمایی ایران ایر، ماهان و کشتیرانی ایران مشمول تحریم‌های یک جانبه قرار گرفت. تحریم‌های جدید نه تنها حوزه نفت ایران، بلکه مؤسسات مالی تمام کشورهایی را که با بانک مرکزی دارای مراوده بودند، هدف قرار داد و همه این مؤسسات که با ایران در ارتباط بودند را از فعالیت در آمریکا محروم نمود. مقامات دولت آمریکا از جمله باراک اوباما و هیلاری کلینتون این تحریم‌ها را سخت‌ترین و فلج‌کننده‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ نامیده بودند. بر این اساس فروش نفت و نقش بانک مرکزی در وصول درآمد حاصل از فروش نفت ایران به کشورهای جهان مختل می‌شد. نکته‌ی شایان توجه اینک، علاوه بر این تحریم‌ها، تنبیهات مالی شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و تحریم‌های یک جانبه دولت‌های متخاصم ایران نیز تصویب شده‌اند. با نگاه اجمالی به این لیست بلند بالا می‌توان گفت که آمریکا کمربند اقتصادی محکمی علیه ایران در دنیا کشیده است. به تعبیر رهبری در این دوران کشور دچار تحریم‌های وحشیانه شده و سقوط بیش از ۳۰٪ ارزش پول

ملی ظرف چند ماه اثر تخریبی این اقدامات را نشان می‌دهد. در سال گذشته توافق هسته‌ای و انعقاد پیمان برجام به امید رفع این تحریم‌ها صورت گرفت؛ اما آمریکا پس از چند ماه با بهانه‌هایی اجرای معاهده برجام را به تأخیر انداخت تا امتیازات بیشتری از ایران بگیرد. اخیراً برخی از مقامات این کشور اجرای برجام را منوط به تغییر رفتار منطقه‌ای ایران دانسته‌اند. این موضوع بیانگر آن است که ایالات متحده با فشارهای اقتصادی قصد گرفتن امتیازات دیپلماتیک و سیاسی از ایران را دارد. برای مقابله با این راهبرد، ایران بایستی فشارهایی به آمریکا در جهت اجرای برجام وارد کند. ایران در این زمینه می‌تواند روی قدرت نظامی و نفوذ سیاسی‌اش در منطقه خاورمیانه مانور دهد و از موضع قدرت و صراحت بیشتر غرب را وادار به پذیرش تعهداتشان کند.

در سال گذشته توافق هسته‌ای و انعقاد پیمان برجام به امید رفع این تحریم‌ها صورت گرفت؛ اما آمریکا پس از چند ماه با بهانه‌هایی اجرای معاهده برجام را به تأخیر انداخت تا امتیازات بیشتری از ایران بگیرد. اخیراً برخی از مقامات این کشور اجرای برجام را منوط به تغییر رفتار منطقه‌ای ایران دانسته‌اند. این موضوع بیانگر آن است که ایالات متحده با فشارهای اقتصادی قصد گرفتن امتیازات دیپلماتیک و سیاسی از ایران را دارد. برای مقابله با این راهبرد، ایران بایستی فشارهایی به آمریکا در جهت اجرای برجام وارد کند.

## نقش ایران در تحولات منطقه‌ای



از کشورهای خاورمیانه از جمله؛ سوریه، عراق و یمن را در پی داشته که زمینه را برای ناآرامی‌های داخلی فراهم کرده است. در نتیجه بازیگران قدرت طلب جهانی و منطقه‌ای در تلاش بوده‌اند تا بهترین بهره‌برداری را از این محیط پر آشوب داشته باشند.

در کنار ظهور داعش به عنوان مهم‌ترین تهدید داخلی علیه بقای دولت‌های سوریه و عراق که بیشتر ناظر بر تحولاتی از درون بوده؛ یمن با توجه به حمله‌ی نظامی سازمان‌یافته از سوی عربستان سعودی تحت عنوان «طوفان قاطعیت» و با حمایت ایالات متحده و برخی از دولت‌های

منطقه‌ای شرایط نسبتاً متفاوتی را تجربه کرده است. با روی کار آمدن ملک سلمان در عربستان و قدرت‌یابی محمدبن سلمان به عنوان وزیر دفاع عربستان، سیاست تهاجمی و قدرت طلب این کشور در منطقه شروع شد که اوج آن را می‌توان در حمله به یمن مشاهده کرد. از سوی دیگر، مخالفت با فشار اسد و تأمین منابع مالی مخالفان دولت سوریه در ابتدای کار، زمینه را برای حمایت از برخی از گروهک‌های تکفیری در سوریه فراهم ساخت که در نتیجه منجر به شعله‌ور شدن جنگ در این کشور شد. در عراق نیز تأکید بر تمایلات فرقه‌گرایانه و مرزبندی میان اهل تسنن و تشیع منجر به مخالفت ریاض با دولت عراق گردید که در نتیجه دخالت‌های عربستان در دو کشور عراق و سوریه را بیشتر کرد.

جمهوری اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای، در ابتدا ضمن تعیین موضع خود در قبال گروهک‌های تکفیری، با درخواست رسمی دولت عراق و سوریه به حمایت از دول مذکور در برابر حملات این گروهک‌ها پرداخت. البته تلاش ایران برای جلوگیری از گسترش پیشروی‌های این گروهک‌ها در سوریه و عراق و مخالفت با حمله نظامی عربستان به یمن منجر به شکل‌گیری دو جریان مخالف در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی علیه سیاست‌های ایران در منطقه بالاتری کسب کرده است. بنابراین تا حدود

گردید، که در ادامه می‌توان به برخی از آنها اشاره داشت:

- ۱- مخالفت برخی از بازیگران بین‌المللی مانند ایالات متحده از حضور ایران در عراق و سوریه. از دید آمریکا افزایش حضور منطقه‌ای ایران در این کشورها در نهایت عرصه را برای نفوذ قدرت‌های غربی تنگ‌تر خواهد کرد.
- ۲- از دید دول غربی و برخی از بازیگران مانند عربستان، نفوذ ایران در منطقه می‌تواند منجر به شکل‌گیری گروه‌ها و احزاب حامی ایران در این کشورها گردد؛ به صورتی که با پایان تحولات عراق و سوریه، گروه‌هایی مانند حزب‌الله در لبنان به عنوان بازوی اجرایی ایران در منطقه شکل می‌گیرد. در این خصوص مخالفت‌های عربستان و تبلیغات منفی علیه «حشد الشعبی» ناشی از نگرانی از شکل‌گیری گروه‌های موافق با ایران است.
- ۳- برخی از دولت‌ها مانند عربستان و ترکیه بحران خاورمیانه را زمینه‌ای برای پیگیری منافع خود از آشوب‌های داخلی این کشورها می‌دانند تا از لایه‌لای نا آرامی‌ها، سیاست‌های منطقه‌ای خود را پیگیری کنند. با توجه به اینکه ترکیه درگیر مسائل داخلی و فعالیت‌های تروریستی شده، امکان حضور منطقه‌ای کمتری یافته است. این در حالی است که عربستان با تجاوز به یمن اعتماد به نفس بالاتری کسب کرده است. بنابراین تا حدود

زیادی سیاست‌های منطقه‌ای خود را با توجه به برنامه‌های منطقه‌ای ایران و در مخالفت با این کشور طراحی می‌کند.

۴- حمایت ایران از مردم یمن و مخالفت با توسعه طلبی‌های عربستان در این کشور زمینه را برای نگرانی ملک سلمان و شاهزاده جوان سعودی از نفوذ احتمالی جمهوری اسلامی در یمن پس از عراق و سوریه فراهم کرده است. بنابراین با تروریست خواندن حوثی‌های یمن بهانه لازم را برای بمباران این کشور و کنترل آن با قدرت نظامی فراهم کرده است؛ چرا که از دید عربستان حضور ایران در همسایه جنوبی می‌تواند مانع از اعمال سیاست‌های توسعه‌طلبانه در یمن گردد. می‌توان اینگونه عنوان کرد که با توجه به قدرت نرم و پذیرش ایران در کشورهای منطقه به خصوص عراق و سوریه، حمایت ایران از این کشورها، واکنش‌های نظامی بازیگران قدرت طلب منطقه‌ای و بین‌المللی را در پی داشته است. این امر زمینه را برای به حاشیه راندن ایران تحت عنوان کاهش بحران در خاورمیانه فراهم کرده است. تهدید معرفی کردن جمهوری اسلامی در جهان بدین دلیل بوده است که حضور ایران در منطقه مانع از تداوم سیاست‌های قدرت‌طلبانه این کشورها می‌گردد.



سجاد محسنی

دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل  
دانشگاه تربیت مدرس



با توجه به اهمیت خاورمیانه به عنوان منطقه‌ای کانونی در سیاست خارجی قدرت‌های جهانی و کشورهای منطقه؛ تحولات این منطقه طی سال‌های اخیر همواره در صدر اخبار جهان قرار داشته است. این تحولات به خصوص پس از سال ۲۰۱۱ بی‌ثباتی سیاسی بسیاری





## ۱- راه‌حلهایی برای سریع‌تر بالا آمدن ویندوز

کاربران بعد از مدتی استفاده از سیستم عامل ویندوز با کاهش سرعت بوت مواجه می‌شوند و احتمالاً سرعت پایین بوت شما را آزار می‌دهد. در این شماره به شما راهکارهایی به منظور افزایش سرعت بوت شدن سیستم‌های ویندوزی معرفی خواهیم کرد.

### غیرفعال کردن برنامه‌های استارت آپ

برنامه‌های استارت آپ، برنامه‌هایی هستند که با آغاز به کار ویندوز، به صورت خودکار اجرا می‌شوند. بسیاری از این برنامه‌ها ضروری و حیاتی نیستند و می‌توانید بعد از شروع به کار ویندوز، خودتان به صورت دستی آنها را اجرا کنید. در حقیقت بعضی از این برنامه‌ها در حالت عادی اصلاً به کار نمی‌آیند و تنها منابع سیستمی را بیهوده مصرف می‌کنند برای غیرفعال کردن برنامه‌های استارت آپ عبارت system configuration را در استارت ویندوز جست و جو و اجرا کنید (در ویندوز ۱۰ می‌توانید این عبارت را در کورتانا جستجو کنید). پس از بالا آمدن پنجره تنظیمات سیستم، به زبانه Startup بروید. برای غیرفعال کردن هر کدام از برنامه‌ها کافی است تیک جلوی آن را بردارید. مثل بروز رسانی برنامه‌های ادوبی. در ویندوز ۱۰ کافی است بعد از باز کردن تسک منیجر (task manager) به زبانه startup رفته و با کلیک راست روی هر کدام از برنامه‌ها گزینه disable را انتخاب کنید.

### تمیز کردن رجیستری

در بیشتر مواقع زمانی که نرم افزاری را از سیستم خود پاک می‌کنید، تعدادی از کلیدهای آن بدون استفاده در رجیستری باقی مانده و تنها موجب سنگین تر شدن آن می‌شوند. پاک کردن رجیستری از این کلیدهای اضافه نه تنها سرعت بوت شدن سیستم شما را افزایش می‌دهد، بلکه در بهبود عملکرد کلی سیستم هم تاثیرگذار خواهد بود. رجیستری ویندوز در واقع یک بانک اطلاعاتی بسیار منظم و دقیق از اطلاعات مربوط به تنظیمات سیستم عامل ویندوز است. به عبارت ساده‌تر هر تغییری در ویندوز در این بانک اطلاعاتی ذخیره می‌شود تا با خاموش و روشن شدن سیستم عامل تنظیمات مورد نظر ثابت بماند. لیست همه نرم افزارهایی که روی ویندوزتون نصب دارین در رجیستری قابل مشاهده است. برای تمیز کردن رجیستری می‌توان از برنامه‌های بسیاری استفاده کرد که یکی از بهترین نرم افزارها موجود CCleaner می‌باشد. البته این کار را



# دیگر چه خبر؟

دماهای محیطی بالاتر، ذخیره می‌شود. عیب حافظه‌های فلش سرعت پایین و عیب DRAM ها گران و فرار (با خاموش شدن دستگاه، پاک می‌شود) بودن آنهاست. در مقابل سرعت حافظه PCMC خیلی بیشتر از فلش و حدود ۱۰ برابر کمتر از DRAM است؛ اما برخلاف آن فرار نیست. طول عمر PCMC حداقل ۱۰ میلیون چرخه ذخیره سازی است که به معنی ضمانت مادام العمر عملکرد آن است. محققان IBM معتقدند می‌توانند سرعت حافظه PCMC را تا ۷۰ برابر سرعت DRAM افزایش دهند.

### ۴- معرفی نرم افزار

My fitness pal این برنامه که برای سیستم عامل اندروید رایج شده است، یکی از بهترین برنامه‌ها برای کاهش وزن است و شرایطی فراهم می‌کند تا کسانی که وقت رفتن به باشگاه را ندارند در خانه یا محل کار خود تمرین‌های ورزشی را انجام دهند. این برنامه قابلیت محاسبه کالری ۵ میلیون ماده غذایی را دارد و راه‌هایی را به شما نشان می‌دهد که کالری‌های اضافی بدن خود را بسوزانید.

>> Sign-in option >> Add picture password >> Choose picture >>

Use this picture

حالا باید رمز خود را در سه بخش با حرکتی همچون رسم دایره، رسم خطوط یا نقطه‌گذاری مشخص کنید. توجه داشته باشید جهت حرکت بسیار مهم است. در ادامه پس از مشخص کردن رمز مربوط به هر سه بخش، باید تایید شود. و در آخر Finish را بزنید. رمز شما آماده است!

### ۳- ذخیره سازی اطلاعات نسل آینده چگونه خواهد بود؟

با توسعه فناوری ذخیره‌سازی نوری به نام PCM (Phase Change Memory) توسط شرکت IBM Research که از جریان الکتریکی برای نوشتن و خواندن داده‌ها از شیشه‌ی بدون نظم استفاده می‌کند، انتظار می‌رود روش ذخیره‌سازی داده‌ها و فراخواندن آنها در گوشی‌ها تغییر یابد و در نتیجه باعث شود که کاربران به اطلاعاتی که نیاز دارند سریع‌تر دسترسی داشته باشند. از PCM قبلاً به مدت ۱۵ سال در دیسک‌های نوری و فناوری‌های دیگر استفاده می‌شده است. در این روش ۳ بیت از داده‌ها در هر سلول، حتی در

را روی Automatic(delayed start) تنظیم کنید.

### غیرفعال کردن درایورهای بدون کاربرد

برای دسترسی به مدیریت دستگاه در ویندوز عبارت Device Manager را در نوار جستجوی ویندوز یا کورتانا جست و جو کنید. پس از پیدا کردن درایورهایی که مربوط به سخت افزارهای قدیمی یا تعویض شده می‌شود و دیگر کاربردی ندارند، با راست کلیک روی آن و انتخاب گزینه Disable درایور مورد نظر را غیرفعال کنید. دقت کنید تا اشتباهاً درایور مورد استفاده‌ای را غیرفعال نکنید که برایتان در دسترس نشود.

### استفاده از نرم افزارهای افزایش سرعت بوت

اکثر این نرم افزارها همان کارهایی که تا به حال به آنها اشاره شده است (مانند تمیز کردن رجیستری و حذف برنامه و سرویس‌های غیرضروری از استارت آپ سیستم) را انجام می‌دهند. از مهمترین این نرم افزارها می‌توان به Soluto، BootRacer اشاره کرد.

### استفاده از هاردهای SSD

### ۲- رمز گذاری روی عکس در ویندوز ۱۰

یکی از ویژگی‌های ویندوز ۱۰ بهره‌مندی از قابلیت رمز گذاری روی عکس دلخواه است. با استفاده از این قابلیت می‌توانید عکسی را به دلخواه خود انتخاب کنید و در سه مرحله، با استفاده از رسم دایره، خطوط یا حتی ضربه روی نقاطی خاص، رمزهایی سه بخشی ایجاد کنید که این رمز برای ورود به سیستم عامل مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای فعالسازی می‌توانید مسیر زیر را دنبال کنید:

Start >> Account >> Change Account setting

می‌توانید به صورت دستی هم انجام دهید. برای این کار عبارت regedit را در استارت ویندوز تایپ و آن را اجرا کنید. حال کلید Ctrl+F را از روی صفحه کلید بفشارید و نام کامل نرم افزار را در کادر مشخص شده وارد کرده و بر روی کلید Enter کلیک کنید تیک گزینه Match whole string only را انتخاب کنید تا فقط نام برنامه‌ای که می‌نویسید مورد بررسی قرار بگیرد. حال پوشه برنامه به صورت کامل نمایش داده می‌شود که برای حذف آن کافی است روی آن کلیک راست کرده و گزینه delete را بزنید. سپس با فشردن F۳ جست و جو پوشه‌های برنامه را ادامه داده و همه را حذف کنید. هر موقع صفحه Finished searching through registry نمایش داده شد یعنی تمام پوشه‌ها و فایل‌های برنامه موردنظر به صورت کامل حذف شده است توجه داشته باشید که تغییر یک کلید در رجیستری می‌تواند سیستم عامل را غیر قابل استفاده کند. حتی در برخی از موارد، تغییر دادن این کلید بدون داشتن اطلاعات کافی درباره آن، می‌تواند اطلاعات ذخیره شده در حافظه را نیز تهدید کند.

### تأخیر در آغاز سرویس‌ها هنگام شروع به کار ویندوز

علاوه بر نرم افزارها، یک سری سرویس‌ها هم همزمان با بالا آمدن ویندوز آغاز به کار می‌کنند. اگر با سرویس‌های مختلف ویندوز آشنایی ندارید، توصیه می‌شود به تنظیمات مربوط به این بخش دست نزنید. اما اگر سرویس‌های غیرضروری و منابع سیستمی را از سرویس‌های حیاتی تشخیص می‌دهید، می‌توانید با مراجعه به:

Computer Management> Services and Applications>Services

نوع آغاز به کار سرویس‌های مورد نظر تان







احمد فرهنگ

کارشناسی ارشد ادبیات  
فارسی دانشگاه تربیت مدرس



## آخرین سرود

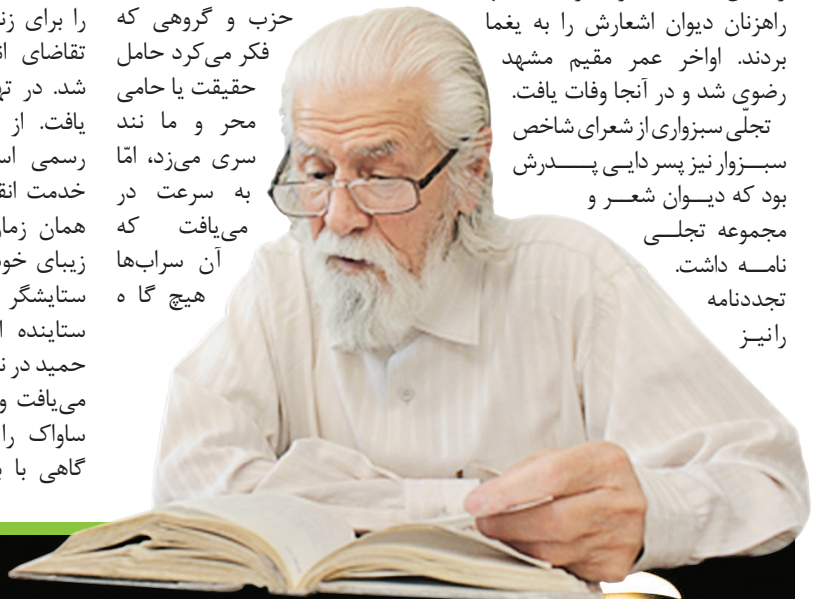
جدیدترین اثر خود را «آخرین سرود» نام نهادهام چون می دانم که به زودی از میان شما خواهم رفت. تا کنون بیش از ۳۰۰ اثر شعری استاد به صورت سرود درآمده است. موضوع مستند سرود سرو که بارها از شبکه های گوناگون صدا و سیمای جمهوری اسلامی به نمایش درآمده، حول محور همین سرودهایی است که معضل گسستگی فرهنگی میان نسل های انقلاب را رفع کرده است؛ زیرا کمتر حادثه یا رویدادی است که با رویکرد مواضع رهبری در شعر حمید سبزواری انعکاس نیافته باشد. ۹۰ درصد اشعار حمید سبزواری انقلابی و در سبک خراسانی و تنها ۱۰ درصد آنها غزل هندی است. روانش شاد باد!

پس از پیروزی انقلاب، دو مجموعه از اشعار وی با اصرار و تشویق مقام معظم رهبری که آن زمان رئیس جمهور بودند و با تقریظ و حمایت ایشان به دست چاپ سپرده شد تا روزگار جفاکار بر آن تعدی ننماید. مجموعه اشعار پیش از انقلاب اختصاص یافت. و سرود سپیده در بردارنده اشعار پس از پیروزی شد. کتاب سرود درد او در سال ۱۳۷۵ کتاب سال شناخته شد. سبزواری مدال درجه یک هنر در رشته ادبیات را نیز دریافت کرد و چهره ماندگار شعر انقلاب شد.

سعی در رام کردن او داشت. سر ناسازگار حمید نیز نگرانی هایی را برای خانواده به وجود می آورد. وقتی برادر همسرشان با زرنگی خاصی توانست، اشعار را از پیش چشم مأموران به سبزواری انتقال دهد. با حمله مأموران ساواک به منزل سبزواری، نسوانی که در منزل بودند از ترس و وحشت، مجموعه اشعار حمید را به تنور ریختند و از بین بردند. البته این شاعر انقلابی از پای ننشست و به سرودن ادامه داد. پس از پیروزی انقلاب، دو مجموعه از اشعار وی با اصرار و تشویق مقام معظم رهبری که آن زمان رئیس جمهور بودند و با تقریظ و حمایت ایشان به دست چاپ سپرده شد تا روزگار جفاکار بر آن تعدی ننماید. مجموعه اشعار پیش از انقلاب اختصاص یافت. و سرود سپیده در بردارنده اشعار پس از پیروزی شد. کتاب سرود درد او در سال ۱۳۷۵ کتاب سال شناخته شد. سبزواری مدال درجه یک هنر در رشته ادبیات را نیز دریافت کرد و چهره ماندگار شعر انقلاب شد. آثار دیگر استاد حمید سبزواری عبارتند از: سرود دیگر، کاروان سپیده، یاد یاران، گزیده ادبیات معاصر. هفته سوم اردیبهشت ۱۳۹۲ که در منزل ایشان بیش از پنج ساعت به گپ و گفت نشستیم؛ نتیجه اش آن ساخت مستند «سرود سرو» و چاپ یادداشت بلندی در هشتمین شماره نشریه چشمه شد، استاد می فرمودند:

نمی توانند عطش عدالت خواهی و شوق استقلال جویی او را سیراب کنند، و سرخورده کنار می کشید. قبل از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به استخدام آموزش و پرورش درآمد و با بانو شکوه اقدس شفقی که از اقوام نزدیک و معلم هم بود، ازدواج کرد. در این دوره نیز به سرودن اشعار حماسی و فعالیت های اجتماعی ادامه داد. بعد از حوادث مرداد ۱۳۳۲ مدتی متواری و مخفی شد و چهار سال در وضعیت بلاتکلیفی و تعلیق سپری کرد تا سرانجام خود را به شهربانی سبزواری معرفی نمود و تبرئه شد ولی از آموزش و پرورش اخراج گردید. پس از مدتی که از طریق اجاره حمام و اداره ی آن روزگار گذرانید، با راهنمایی و کمک یکی از اقوام به استخدام بانک بازرگانی (بانک تجارت پس از انقلاب) درآمد و چون عرصه را برای زندگی در سبزواری تنگ دید، تقاضای انتقال کرد و راهی تهران شد. در تهران نیز دوستان همفکری یافت. از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به طور رسمی استعداد شعری خود را به خدمت انقلاب و رهبری درآورد. وی همان زمان در یکی از ابیات بسیار زیبای خود می گوید: «من حمیدم نه ستایشگر هر محمود/ حق پرستم نه ستاینده اهریمن». گاهی نیز اشعار حمید در نشریات بانک بازرگانی انتشار می یافت و همین مسئله شاخک های ساواک را حساس می کرد و هر از گاهی با بازجویی های خسته کننده

در عصر رضاخان در دفاع از حجاب بانوان از خود به یادگار گذاشت. اولین آموزگاران حمید، پدر و مادرش بودند. جامع المقدمات را نزد پدر آموخت. در روزگاری که پدر با طبابت غلط نابینا شد، باز توانست خط خوش را به فرزند خود یاد دهد. قرآن و بعضی از متون ادبیات را از مادر فرا گرفت. دوره تکمیلی را نزد اساتیدی چون میرزا حبیب جوبینی و حاج آقا محمد علی محمدی سپری کرد. زمانی که چهارده سال بیشتر نداشت، سرودن شعر را آغاز کرد. نخستین اشعارش را با همکاری کتابفروشی خسروی سبزواری انتشار داد. در نوجوانی شاهد فرهنگ ستیزی، خشونت و سرکوب احساسات مذهبی مردم توسط رضا شاه پهلوی بود. با روی کار آمدن محمد رضا پهلوی، در دهه ی سوم قرن حاضر، به هر حزب و گروهی که فکر می کرد حامل حقیقت یا حامی محر و مانند سری می زد، اما به سرعت در می یافت که آن سرابها هیچ گاه



چیزهایی که تابحال شنیده بودم ایمان پیدا نکردهام! زمان آنقدر کند می گذشت، گویی سالیان سال است در این حالت ماندهام و راه فراری برای خود متصور نبودم! بوهای مضمئن کننده ای به مشام می رسید که از چیزهایی که شنیده بودم بدتر بود. دیگر نمی توانستم این وضعیت را تحمل کنم. از خدا خواستم یک بار دیگر به من فرصت دهد تا دیگر از این اشتباهات نکم. داشتم نفس های آخر را می کشیدم که ناگهان معجزه ای رخ داد و به سمت دریچه ای از نور هدایت شدم. نفس راحتی کشیدم و خدا را شکر کردم برای فرصت دوباره ای که به من داده بود و با خودم عهد کردم دیگر هیچ وقت در آن ساعت از روز و در تقاطع دو خط، پایم را در ایستگاه مترو نگذارم!

رحیمه سادات زرگر (رها)  
کارشناسی ارشد مترجمی زبان فرانسه

## اینجا آخر خط است!





# خوشگل شدی ولی مثل بقیه!

داوینتاژنگ



مریم فرهنگ

دانشجوی کارشناسی ارشد  
ادبیات نمایشی

سؤالش را بدهم، شوکه شده بودم، به فکرم خطور نمی کرد که روزی ممکن است بچه ام بپرسد: «چرا شبیه بقیه ای؟» سعی کردم از پاسخ دادن به سؤالش طفره بروم. این بود که گفتم: «خب چون خوشگل تر شدم! آدمای خوشگل همه شبیه هم دیگه!»

نیکو گفت: «خوشگل؟» بعد مکشی کرد و در ادامه گفت: «آره خب، خوشگل شدی ولی مثل بقیه!»

بلند شدم و در آینه نگاهی به خودم انداختم و گفتم: «بله خوشگل تر شدم ولی مثل بقیه!» و به فکر فرو رفتم.

گرفت و با تعجب پرسید: «وااا! ماما این عکس رو ببین! چقدر قبلنا خوشگل تر بودی، تو با بقیه خاله ها چقدر فرق داشتی، ولی الان توی این عکس تولد ۴ سالگی من، قیافه هاتون خیلی شبیه هم شده چرا؟!»

به عکس نگاه کردم درست می گفت، تقریباً در جمع ۵ نفری ما ۴ نفر، روی بینی، عمل زیبایی انجام داده بودیم، علاوه بر آن، من یک گونه ی کوچولو نیز گذاشته بودم ولی به هر حال با عکسی که در یک سالگی نیکو انداخته بودم خیلی فرق داشت. مانده بودم که با چه منطقی جواب

شده که نیکو آنها را خاله ی خودش می داند و بچه های آنها نیز یک جوری نیکو را جای برادر و خواهر نداشته ی خودشان قلمداد می کنند.

نیکو از آن دسته دخترهایی است، که همیشه آماده اند تا سوال های عجیب و غریب بپرسند و این، برای من خیلی با مزه است. وقتی پیشش نشستم و مشغول تماشای عکس ها شدیم، سؤالی کرد که پشتم را لرزاند! ابتدا عکس جشن تولد ۴ سالگی اش را جلوی چشمم گذاشت و بعد عکس تولد یک سالگی اش را در یک دست و عکس تولد ۷ سالگی اش را در دست دیگر

آنها چند تایی را انتخاب کردم و رفتم تا قاب بگیرم و بچسبانم به دیوار اتاقش... وقتی برگشتم، نیکو وسط اتاق نشسته بود و عکس ها را دور تا دور اتاقش پخش کرده بود و داشت با حوصله آنها را تماشا می کرد و داخل آلبومش می گذاشت. نگاهش که به من خورد، شروع کرد به سوال پیچ کردن که مثلاً... چرا خاله ثریا این حرف را زد، چرا بچه ی خاله سوسن آن کار را کرد؟ و... گفتنی است که من هنوز با ۵ نفر از دوستان دبیرستانی خودم ارتباط دارم و آنها را هر سال به جشن تولد نیکو دعوت می کنم. تقریباً این ارتباط ما آن قدر عمیق

امروز صبح بعد از کلی خرید منزل و پرداخت قسطها بالاخره حدود ظهر رفتم عکاسی محل، تا عکس های چاپ شده جشن تولد دخترم نیکو را بگیرم؛ هفته ی پیش، نیکو وارد هفت سالگی شد و من به خاطرش، مهمانی کوچکی راه انداخته بودم. بعد از عکاسی، به مدرسه ی نیکو رفتم، وقتی برمی گشتم هیجان بسیاری داشت تا هر چه زودتر عکس ها را ببیند؛ به همین خاطر به محض آنکه پایمان به درگاه خانه رسید، عکس ها را از من قاپید و سراغ آلبومش رفت تا مجموعه ی عکس های جشن تولدش را کامل کند. من هم از میان

توی همین فکرها بودم که دیدم تاس رو گرفته سمتم و داره توضیح می ده: «ببین... هر عددی که بیاد باید بشماری بری جلو تا برسی به خونه ی آخر... اگه به «تَرِدبون» رسیدی، می ری بالا... اگه به «مار» رسیدی، سر می خوری می آیی پایین؛ باشه؟» خندم گرفته بود... شاید چندین سال بود دست به تاس نشده بودم. چندباری تاس رو انداختم تا «شیش» اومد و تونستم وارد بازی بشم.

رفتن نردبون خیلی خوشحال می دونید چرا؟! چون فهمیدن که قرار نیست برای همیشه تو این صفحه بمونی؛ فهمیدن که همه ی مارها و پله ها فقط برای اون ها نیست و برای بقیه هم هست؛ فهمیدن که خونه های که توش هستن نتیجه ی پرتاب تاس توسط خودشونه؛ فهمیدن که هرچی بالاتر برن مارها بزرگ تر می شن؛ فهمیدن که هرچندتا حریف هم که تو بازی باشه تاثیر تو نیش خوردن یا نردبوم گرفتن اون ها نداره؛ فهمیدن که همه ی این ها به بازیه... پس نباید بعضی چیزها رو بیش از حدشون جدی گرفت...

بود و نه خارج شدنت. شاید زود می رفتی تو اما کلی معطل می شدی تا بیای بیرون؛ یا حتی برعکس. تازه، وسط راه ممکن بود برسی به نردبوم هایی که بعضی هاشون کوتاه بودن و بعضی هاشون بلند، بعضی هاشون تو رو از همون اول کار می بردن به ردیف های بالایی و بعضی هاشون فقط یکی دو ردیف کمکت می کردن. بعضی وقتها تو به دور بازی چندین بار به نردبوم می خوردی و تو بعضی دورها نردبومی گیرت نمی اومد... از اون طرف؛ وسط راه پر بود از مارهای ریز و درشت؛ نیش بعضی هاشون سریع جبران می شد و برمی گشتی به روز اول اما بعضی هاشون آدم رو از اون بالا بالا می کشوند تا ردیف های پایینی. بعضی وقتها با شوق زیاد می رفتی تا اون خونه های آخر و منتظر بودی تا با تاس ۳ بیاری و برنده بشی... اما ۱ می آوردی و از خونه ی ۹۸ تا ۴۲ رو روی «تیش» تا دم یه مار گز می کردی... البته بعضی وقتها هم می شد که از خونه ی ۲۶ تا ۹۴ رو به ضرب با کمک «میخ» محکم پله های یه نردبوم بزرگ می رفتی بالا... واقعا که زندگی ما آدمها هم همین طوره... هم مار داره، هم پله...

اما جالب تر از همه اینه که بچه ها وقتی دارن مار و پله بازی می کنن نه از نیش خوردن خیلی می ترسن و ناراحت می شن، نه از بالا

## "نیش و میخ"

می شیم... مثل نیمکت های کلاس اول دبستان که دیگه توش جا نمی شیم. توی همین فکرها بودم که دیدم تاس رو گرفته سمتم و داره توضیح می ده: «ببین... هر عددی که بیاد باید بشماری بری جلو و تا برسی به خونه ی آخر... اگه به «تَرِدبون» رسیدی، می ری بالا... اگه به «مار» رسیدی، سر می خوری می آیی پایین؛ باشه؟» خندم گرفته بود... شاید چندین سال بود دست به تاس نشده بودم. چندباری تاس رو انداختم تا «شیش» اومد و تونستم وارد بازی بشم. همین طور که خونه به خونه جلو می رفتم کلی افسوس خوردم که چرا تو این سال ها سراغی از این بازی نگرفتم! آخه لحظه لحظه ی این بازی شبیه درسه. درسی که تو همین سال ها بارها تجربه کرده بودم؛ اما اصلاً یادم نبود که قبلاً تو بچگی بارها این تجربه ها رو مشق کردم. اون صفحه ی بازی شباهت زیادی به عرصه ی زندگی ما آدمها داشت. یه نقطه ی شروع داشت و یه نقطه ی پایان. تا اجازه پیدا نمی کردی نمی تونستی وارد بازی بشی و وقتی وارد می شدی نمی تونستی تا چه مدتی بازیت طول می کشه! یعنی نه وارد شدنت دست خودت

داوینتاژنگ



سید محمد مویدیان

کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی  
دانشگاه تربیت مدرس

تو چشم هام نگاه کرد و بدون مقدمه گفت: "میای با این بازی کنیم؟" یه نگاه به اون چیز پلاستیکی که مثل سفره تا کرده و تو دستش گرفته بود انداختم و خیلی معمولی سرم رو به نشونه ی تایید تگون دادم. با خوشحالی شروع کرد به باز کردن سفره و توضیح دادن روش بازی. برام جالب بود؛ چون تو بچگیه ماهها، منج و مار و پله روی مقواهای مربعی کوچیک چاپ می شد اما این روزها روی ورق های پلاستیکی بزرگ! انگار که همه چیز تو این دنیا در حال بزرگ شدن! مثل شهرها؛ ارتفاع ساختمانها؛ طول و عرض بزرگراهها؛ اینج تلویزیونها... اما دقیق که نگاه می کنی در حقیقت همه چیز در حال کوچیک و تنگ شدن! مثل حیاط خونه ها؛ اتاق نشیمن آپارتمانها؛ جای پارک ماشینها؛ کنداکتور برنامه ها... انگار دنیا با همه ی بزرگیش داره برامون کوچیک می شه! نمی دونم... شاید هم به این خاطر باشه که ما داریم بزرگ

(پی نوشت)

۱- حدید (۲۰)

۲- انعام (۵۹)

۳- حاج اسماعیل دولابی رحمه الله علیه





## آتش دعای مجیر هم به شوق تو... فریاد زد "تعالیت یا کریم"

انسبیه فتحی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان  
دانشگاه تربیت مدرس

در مسجد هستن بگید بیان تالار شکرانه براشون اونجا تدارک دیده شده "برنامه‌ای با نام سفره ملل یک ضیافت افطاری برای دانشجویان غیر ایرانی در شبی که دانشگاه افطاری داشت و مجبور شدند در جمعیت بگویند که دانشجویان غیر ایرانی تشریف ببرند تالار شکرانه، و عکس العمل دانشجویان که می‌گفتن "مگه چه فرقی می‌کنه؟" شاید در ذهنشان این گذشت که فرقی قائل شدن بین ما و از ما بهترن. ای کاش کمی بیشتر دقت می‌شد که چنین برنامه‌هایی با هم تداخل پیدا نکنند. از این نکته هم نگذیریم خیلی وقت بود دل‌مان می‌خواست ببینیم تواسیح شنیدنی اسما الحسنی که کلی خاطره خوب در لحظات افطار داریم باهاش توسط چه گروهی خونده شده که الحمدلله به همت دوستان، گروه بین‌المللی طه هم تو جلسه حضور داشت و در کنار تلاوت ناب قرآن کریم توسط استاد امین پویا همگی بهره‌مند شدیم.

ناراحت نشدید، از این وضع. چون این تذکر دادن به بچه‌ها در مساجد در درازمدت باعث دلزدگی از مسجد در دوران نوجوانی و جوانی میشه "این صحبت را از حاج آقا قرائتی شنیده بود. راست می‌گفت ای کاش ما هم صبور بودیم ای کاش آقایون این همه به سمت خانوم‌ها تذکر نمی‌دادن" که به خانوما بگین بچه‌هاشونو ساکت نگه دارن. "خب از طرفی هم حق با افرادی که می‌خواستن از برنامه استفاده کنن ولی شلوغی و سر و صدا نمی‌گذاشت. حتماً راهی وجود دارد که بشود بین این دو راه باشه و هر دو طرف راضی باشن. تواسیح مسابقه برنامه‌ها همینطور پشت سر هم انجام می‌شد و جمعیت زیادتر می‌شد. نزدیک اذان مسجد که مملو از جمعیت شد متوجه شدیم که دانشجویان غیرایرانی هم برای نماز وارد مسجد می‌شوند. خوشحال شدیم از اینکه مهمان حضرت می‌شوند ولی خوشحالی ما خیلی طول نکشید وقتی بعد از نماز به خادمین گفتن "به غیر ایرانی‌هایی که

رو کشیدن. خدا قوت به همه خادمین. برنامه کم کم شروع شد. به تعداد جمعیت اضافه می‌شد. علاوه بر دانشجویان در بین مهمانان چهره‌های اساتید و کارمندان دانشکده‌های مختلف با خانواده‌هایشان به چشم می‌خورد. بنظر می‌رسید مهمانان ویژه مراسم کودکانی بودند که بدون توجه به تشریفات مراسم از این سر مسجد به آن سر مسجد می‌دویدند و گاهی که صدای خنده‌ها و جیغ کشیدنشان هم بلند می‌شد خانم مسئول مانند تندباد از راه می‌رسید و همگی را متفرق می‌کرد. خیلی‌ها با دیدن این همه بچه ذوق می‌کردند و بعضی هم ناراحت. وقتی جلوی یکی از اون‌ها رو گرفتم و گفتم کجا میری با چشمانی مظلوم و نگران پشت سر هم تکرار می‌کرد "اتوبوسم، اتوبوسم....." و بعد دوید. ناخواسته خنده‌ام گرفت بنده خدا اتوبوسش را در مسجد گم کرده بود! خانمی در کنار ما صحبت زیبایی کرد و گفت "تا امکان دارد جلو بچه‌ها را نگیرین، بذارید بازی کنن سعی کنین،

ساعت ۷ و ربع عصر شتابان به سمت مسجد دانشگاه "حتماً دیر شده از دست دادیم اول برنامه رو. بچن. زودتر بیا. من قراره یک گزارش بنویسم" اینها بخشی از غر زدن‌های من به جان دوستم بود که تصمیم داشتیم با هم در برنامه افطاری نهاد رهبری دانشگاه به مناسب ولادت امام حسن (علیه السلام) شرکت کنیم. هر طور بود خود را رساندیم محوطه روبروی مسجد. یه عده که معلوم بود حتی رمق حرف زدن با هم رو ندارن روی سکوی دور محوطه نشسته بودن. اما در مقابل کودکان با انرژی مع الوصفی مشغول شیطنت بودند. مادری آن وسط داشت ته مانده انرژی روزهداریش را روی گوش پسر بچه شیطونش خالی می‌کرد در ذهنم می‌گفتم "نکن گناه داره، گناه داره نکن" که همراه آنها وارد مسجد شدم. خانم مسئول دم در مشغول هماهنگی برنامه افطاری بودن، گفتن که عده‌ای از دانشجویان از ساعت‌ها قبل زحمت آماده کردن پک‌ها و چیدن سفره

تا سفره ی احسان  
کرم خانه تان هست /  
سائل نخورد ثانیه ای  
غصه نان را

عاشقان وقت نماز است اذان می گوید

ما از تو  
به جز کرم ندیدیم



این همه آوازه ها از شه بود  
گرچه از حلقوم عبدالله بود

مامان هنوز اذان نگفتن  
پس اون پسره چرا داره  
میخوره. مامان لااقل تو یه اذان  
بوگو دلم ضعف رفت آخه



این دو تا کوچولوی  
ناز تو مسابقه شرکت  
کردند و جایزه هم  
بردند



اذان را گفتند!  
پستونک ما را  
بدهید لطفا!

آیا پستونک روزه  
را باطل می‌کند؟  
نمی‌کند؟



مامان اینا اذانشونو دیر  
میگن تو کیفیت چیزی پیدا میشه  
به وقت خونمون افطار کنم؟





## دکتر احمدی: اساتید برنامه تحقیقاتی تدوین کنند

همه اساتید در دانشگاه‌ها باید برای خود برنامه تحقیقاتی چند ساله تدوین کنند که به عنوان نقشه راه ۵ یا ۱۰ ساله برای اعضای هیأت علمی از سوی دانشگاه به تصویب برسد و اگر مقالات، تحقیقات و دستاوردهای پژوهشی اعضای هیأت علمی مطابق با این نقشه راه باشد، ۵۰ درصد افزایش امتیاز خواهند داشت

رئیس دانشگاه افزود: بر اساس طرح راهبردی دانشگاه، ما درصدد ایجاد واحدی برای پویایی و بالندگی اعضای هیأت علمی هستیم تا دانشگاه بتواند اعضای هیأت علمی را در طی چند سال اول ورود به دانشگاه تحت پوشش آموزش و بالندگی قرار دهد و فنون تدریس و تکنیک‌های آن، مسئله اخلاق دانشگاهی و مدیریت زندگی دانشجویان را به آنان آموزش دهد.

وزارت علوم نیز در سال ۹۵، پنج دوره مشترک کارشناسی ارشد یا دکتری را که بین دانشگاه‌های ایرانی و خارجی هست به صورت جدی حمایت نماید دکتر احمدی همچنین از حضور رئیس موسسه علمی ماکس بلانک و نیز وزیر علوم و روسای ۳۰ دانشگاه مهم فرانسه همراه موسسه SRNC فرانسه (مرکز ملی پژوهش علمی فرانسه) در ایران جهت عقد قرار دادهای همکاری با دانشگاه‌های برتر ایران خبر داد و از اساتیدی که سابقه همکاری با دانشگاه‌های فرانسه و شرکت ماکس بلانک را دارند خواست تا در خصوص همکاری دانشگاه با این موسسات همکاری لازم را داشته باشند.

وی در ادامه در خصوص آیین نامه جدید ارتقای اعضای هیأت علمی که به زودی ابلاغ خواهد شد اظهار داشت: بر اساس نسخه جدید این آیین نامه

اسکوپوس بوده است. همچنین براساس رتبه بندی لایدن؛ دانشگاه تربیت مدرس در میان دانشگاه‌های جامع کشور در رتبه دوم پس از دانشگاه تهران قرار دارد. وی ادامه داد: در خصوص بین المللی شدن دانشگاه‌ها نیز اتحادیه اروپا بر اساس طرح جدیدی هزینه تحصیل دانشجویان اروپایی که در دانشگاه‌های سایر کشورها در حال تحصیل باشند را می پردازد. همچنین بر اساس برنامه جدید دولت آلمان، سهمیه ۱۵۰ نفری به دانشجویان ایرانی داده می شود که در مقطع دکتری دوره های مطالعاتی در خارج از کشور را به هزینه این کشور طی کنند.

همچنین معاونت پژوهشی وزارت علوم متعهد شده است که ۵۰ طرح همکاری بین المللی بین دانشگاهی را حمایت مالی کند و معاونت آموزشی



بین المللی شدن آنها، آیین نامه ارتقای اعضای هیأت علمی و تأسیس واحد پویایی و بالندگی اعضای هیأت علمی بیان شد. وی با توضیحاتی در خصوص موارد مطرح شده تصریح کرد: بر اساس آمار و اطلاعات مطرح شده در این اجلاس، ایران در سال ۲۰۱۴، تعداد ۸۸ هزار مقاله خارجی داشته است که ۲۳ هزار در ISI و ۴۳ هزار آن در پایگاه

نشست شورای دانشگاه با حضور رئیس، معاونان و روسای دانشکده‌ها، در دانشگاه برگزار شد. در ابتدای این نشست دکتر احمدی رئیس دانشگاه با اشاره به برگزاری اجلاس سراسری روسای دانشگاه‌ها در محل دانشگاه علامه طباطبایی اظهار داشت: در این اجلاس اطلاعاتی در خصوص رتبه بندی دانشگاه‌های ایران، امکانات وزارت علوم برای دانشگاه در راستای

## عضویت ۳ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه در هیأت ممیزه دانشگاه‌های کشور



دکتر عادل آذر، دکتر آقا کوچک، دکتر میر نیا

وی ریاست مرکز آمار ایران را در کارنامه اجرایی خود دارد. دکتر علی اکبر آقا کوچک دارای مدرک دکتری مهندسی عمران - سازه‌های دریایی از دانشگاه لندن با رتبه علمی استاد در دانشگاه مشغول فعالیت می باشد.

دکتر سید خلاق میرنیا عضو هیأت علمی بازنشسته دانشگاه هم اکنون ریاست دانشگاه مازندران را برعهده دارد.

با حکم دکتر محمد فرهادی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، دکتر عادل آذر، دکتر علی اکبر آقا کوچک و دکتر سید خلاق میرنیا برای مدت دو سال به ترتیب به عضویت هیأت ممیزه دانشگاه امام صادق (ع)، دانشگاه پیام نور و دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری منصوب شدند.

گفتنی است دکتر عادل آذر با رتبه علمی استاد مدیر گروه مدیریت صنعتی دانشکده مدیریت و اقتصاد می باشد.

## تشریح وضعیت رتبه بندی دانشگاه در سطح ملی و بین المللی

وی ادامه داد: بر اساس رتبه بندی مؤسسه (Us news Education) نیز در میان ۴۰۰۰ دانشگاه تربیت مدرس رتبه ۶۹۹ را دارا می باشد. این موسسه همچنین وضعیت دانشگاه‌ها را در رشته‌های مختلف نیز مورد بررسی قرار می دهد که دانشگاه تربیت مدرس در زمینه مهندسی و شیمی در میان دانشگاه‌های کشور حائز رتبه یک بوده و در سطح جهانی نیز در مهندسی رتبه ۵۰ و در شیمی رتبه ۱۸۰ را دارا می باشد.

وی در پایان تصریح کرد: آمار نشان می دهد رتبه دانشگاه‌های خوب ایران در زمینه نوآوری (innovation) بهتر از رتبه جهانی آنها در زمینه برون داد پژوهشی (research output) است و این نشان می دهد مجموعه تحقیقاتی که در ایران انجام می شود از غنای خوبی برخوردار بوده، اما ساختار لازم برای آنکه از آن به خوبی استفاده کنیم طراحی نکرده ایم و باید در این زمینه نیز بتوانیم گام‌های مثبتی برداریم.



دانشگاه‌ها و برون داد پژوهشی و نوآوری از دو دیتا بیس در جهان استفاده می کنند که شامل موسسه اطلاعات علمی ISI و موسسه اسکوپوس می باشد. تنها موردی که دانشگاه تربیت مدرس اطلاعات خود را به طور کامل در اختیار نظام رنکینگ قرار می دهد نظام رنکینگ ISC (پایگاه استنادی علوم جهان اسلام) می باشد که در حال حاضر طبق این نظام رتبه بندی، در جایگاه دوم در سطح کشور قرار داریم.

دکتر فتح الهی در نشست شورای دانشگاه در خصوص نحوه رتبه بندی دانشگاه‌ها اظهار داشت: رتبه بندی دانشگاه‌ها در سطح دنیا به سه روش انجام می شود؛ اول ارزیابی و سنجش اطلاعات موجود در پورتال دانشگاه که همان وبومتریک نامیده می شود. دوم، بحث برون داد پژوهشی و نوآوری دانشگاه و سوم هم اطلاعات کامل دانشگاه که علاوه بر مسائل تحقیقاتی، بحث آموزشی، پشتیبانی و ... را نیز در بر می گیرد. وی افزود: برای به دست آوردن اطلاعات

## پنج عضو هیأت علمی دانشگاه در میان پر تولیدترین محققان علوم انسانی کشور



دکتر عادل آذر، دکتر حسن دانایی فرد، دکتر عبدالرضا رکن آبادی، دکتر رضا اکبریان، دکتر کاظم رسول زاده طباطبایی

بین المللی چاپ می کنند که در این فهرست مشاهده نمی شوند. دلیل این امر تفاوت در نمایه سازی نشریات است و بر این اساس فهرست ۳۰ نفره محققان علوم انسانی شامل محققانی است که در مجلات معتبر علمی پژوهشی و علمی ترویجی کشور مقالات خود را منتشر کرده اند.

جهان اسلام استخراج شده است. البته گروهی از محققان علوم انسانی کشور مقالات خود را در مجلات

اول، هفتم، چهاردهم، بیست و یکم و بیست و هفتم را دارا می باشند. این فهرست از پایگاه استنادی علوم

دکتر کاظم رسول زاده طباطبایی با ۰.۰۸ سهم از کل تولیدات علوم انسانی کشور به ترتیب رتبه های

اسامی سی نفر از پر تولیدترین محققان حوزه علوم انسانی کشور بر اساس نتایج به دست آمده از پایگاه استنادی علوم جهان اسلام اعلام شد.

در این فهرست نام ۵ عضو هیأت علمی دانشگاه به چشم می خورد. دکتر عادل آذر با ۰.۱۷ درصد، دکتر حسن دانایی فرد با ۰.۱۰، دکتر عبدالرضا رکن آبادی افتخاری با ۰.۰۹، دکتر رضا اکبریان با ۰.۰۸



دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس  
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع  
سردبیر: مرتضی فاضلی  
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی  
دبیر تحریریه: سیامک شادکام  
گرافیکست و صفحه‌آرا: سعید خیراله  
مجرى طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیا مهر معرفت

### با تشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است.  
چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.  
استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.



دکتر خسرو خواجه در گفتگو با چشمه:

## باید در تولید علم، همانند فناوری هزینه کنیم

این بار چشمه به سراغ یکی از افتخارآمیزان دانشگاه تربیت مدرس رفت. ایشان در حوزه علم و فناوری کشور موفق به دریافت جایزه علامه طباطبایی شد که یکی از مهمترین جوایز علمی کشور است که به استادان و دانشمندان برجسته کشور در حوزه‌های مختلف علمی تعلق می‌گیرد. استاد برجسته بیوشیمی در این مصاحبه از بایدهای موفقیت و تلاش گفت. از اینکه با تلاش می‌توان به پیشرفت و اعتلای کشورمان کمک کنیم.



### گفتگو از سایه سرمد

پیرامون این افتخار که در سال ۹۴ در جمع بهترین دانشمندان ایران قرار گرفتید، توضیح دهید؟

بنیاد ملی نخبگان کشور، جایزه‌ای به نام علامه طباطبایی طراحی کرده که آن را به استادانی می‌دهد که استاد تمام بوده و دانشجویانش که فارغ التحصیل شده‌اند مقام دانشجویی یا استادی را کسب کرده باشند. همچنین استاد یک کتابی را داشته باشد که در کشور تدریس شود. تعداد مقالاتشان بالا باشد و دارای H-index بالای ۲۰ باشد. در محافل بین‌المللی و داخلی سخنرانی بین‌المللی داشته باشند. مرحوم دکتر آئینه‌وند در دوره اول در حوزه علوم انسانی جایزه علامه طباطبایی را گرفتند و بنده دومین نفر بودم که در حوزه علم و فناوری این جایزه را دریافت کردم.

### حوزه فعالیت تخصصی شما چیست؟

تخصص بنده آنزیم است و در حوزه زیست فناوری، کاربرد آنزیم‌ها و... فعالیت داشته‌ام. زیست فناوری یکی از حوزه‌های اولویت‌دار کشور است که در نقشه علمی جامعه کشور به عنوان یک سند راهبردی محسوب می‌شود. بنده نیز به همراه دانشجویان فارغ التحصیل چند شرکت تاسیس کردیم که در آنها به تولید آنزیم‌های دارویی، مشغول هستیم.

### اولین آنزیم دارویی که ایجاد کردید برای درمان چه بیماری‌هایی کاربرد دارد؟

آنزیمی که ما کار می‌کنیم به نام «اوریکاز» که برای درمان بیماری نقرس است. یک دارویی هست به نام «ژوراکساز» که آن هم آنزیمی است که از لحاظ علمی به آن «کربوکسی پپتیداز جی ۲» می‌گویند و برای درمان «سرطان» از آن استفاده می‌شود. در داروهای پروتئینی نوترکیب، کشور ما خیلی پیشرفت کرده و صادرات زیادی دارد. در آسیا ما مقام برتر را داریم و آن شق مثبت بیوتکنولوژی است که این اتفاق افتاده است توجه کنید که این موفقیت‌ها در قالب اقتصاد مقاومتی

که مقام معظم رهبری تاکید و توصیه قوی دارند قرار می‌گیرد. ما رهنمودهای رهبری را در علم و فناوری و اقتصاد مقاومتی به کار بردیم. علاوه بر اینها تقویت فرهنگ کار و تولید، که بارها ایشان بر آنها تاکید داشته‌اند نیز از جمله مواردی است که باید بدان توجه کرد.

تبیین و تقویت فرهنگ کار و تولید یکی از وظایفی است که ما باید در زندگی مان به عنوان یک معلم توجه کنیم حتی دانشجویان هم به عنوان یک دانشجوی فوق لیسانس و دکترا باید به آن توجه کنند اگر می‌خواهند به آنجایی که ما برسند، باید وابستگی مان را به ذخایر زیرزمینی کاهش دهیم. اگر فرهنگ کار و تولید را ایجاد کنیم، خودباوری و خودتکایی در دانشجوها تقویت می‌شود. معتقدم تمام مولفه‌هایی که رهبری در چند سال اخیر با نامگذاری سالها روی آن تاکید کردند می‌تواند راه گشا باشد.

### موانع پیشرو در پیشرفت علمی کشور چیست؟

بحث علم، فناوری، تجاری سازی یک زنجیره است که تمام شدن نیست. فکر نکنید به این دلیل که رسیدیم به فناوری، از تولید علم گذشتیم چون فناوری‌ها در آینده جدید می‌شوند. وقتی به ۱۰ سال گذشته برمی‌گردیم می‌بینیم اولین موبایلی که وارد بازار شد شرکت نوکیا بود که الان این شرکت ورشکسته شده است. چون این شرکت در مسیر فناوری حرکت نکرد اولین کمپانی تولید موبایل بود. آنها فکر کردند نیاز به علوم جدیدی برای تولید فناوری جدید را ندارند.

در کشور ما نباید این اتفاق بیفتد باید با سیاستگذاری‌های علم و فناوری که رهبری هم تاکید می‌کنند مسیر را طی کنیم. بایستی همانقدر که برای فناوری تلاش می‌کنیم و هزینه می‌کنیم برای علم هم هزینه کنیم، نباید این فکر برای دانشجو و محقق بوجود بیاید که نیازی به مقاله نداریم بلکه ما هم از لحاظ کمیت و هم کیفیت مقاله نیاز داریم. ما باید اینها را بصورت یک سیستم در نظر بگیریم موضوعی را بصورت مستقل در نظر گرفتن ما را به نتیجه مطلوب نمی‌رساند.

باید با سیاستگذاری‌های علم و فناوری که رهبری هم تاکید می‌کنند مسیر را طی کنیم. بایستی همانقدر که برای فناوری تلاش می‌کنیم و هزینه می‌کنیم برای علم دانشجو و محقق بوجود بیاید که نیازی به مقاله نداریم بلکه ما هم از لحاظ کمیت و هم کیفیت مقاله نیاز داریم. ما باید اینها را بصورت یک سیستم در نظر بگیریم موضوعی را بصورت مستقل در نظر گرفتن ما را به نتیجه مطلوب نمی‌رساند.

یکی از ایرانی‌ها که در دانشگاه «هاروارد» تحصیل می‌کند در ملاقاتی که با بنده داشتند گفتند: کشور چین عجیب و غریب دارد پیشرفت می‌کند. با مطالعاتی که داشتم متوجه شدم که نسبت تعداد مقالاتی که در چین چاپ می‌شود در ۲ تا ۳ سال اخیر خیلی بالاتر رفته، یک چیز جالبی را گفت: که یک محقق چینی در آمریکا روی یک پروژه بزرگ کار می‌کند، شبیه و هم راستا آن پروژه را هم در چین، محققین چینی تلاش می‌کنند به نتیجه برسانند. آن محقق چینی فرهنگش این است که نمی‌گوید من چه به دست می‌آورم شما چه بردی دارید و من چه بردی دارم. او می‌گوید: اینکه کشورم توانست روی آن موضوع کار کند و مقاله‌اش را چاپ کند این برد من است. بوجود آوردن فرهنگ در این جهت، کار سختی است باید روی جوانان مان کار کنیم تا این حس وطن دوستی را ایجاد کنیم و در این بین به مباحث علمی توجه ویژه‌ای نماییم. اینها

باید توجه کنیم لازمه حرکت علمی، قدرت علمی داخلی است آنها باید یک قدرتی را در شما ببینند تا خودشان هم خواهان باشند با شما کار کنند. یکی از قدرت‌های ما داشتن نیروی علمی دانشجویان دکترا و کارشناسی ارشد بسیار عالی در سطح کشور است که باید قدر بدانیم.

معضلات کشور ما است که باید رفع شود خوشبختانه ما روی ریل صحیحی هستیم ولی هر راهی انحرافی هم دارد. از نظر شما که در جایگاه یک استاد هستید باید تا چه حد به اخلاق علمی توجه کرد؟

اخلاق زیستی و علمی در چند مقوله تعریف می‌شود و وقتی وارد علم ما می‌شود پررنگ تر می‌شود. کمیته‌هایی در سطح کشور بوجود آمده که بحث اخلاق زیستی را مطرح می‌کنند. در مباحث علمی، رویکردهای اخلاقی را به دانشجویان محترم می‌توان انتقال داد. وقتی در بحبوحه پیچیدگی‌های سلول، یک استاد حرف از قادر، خداوند و خلقت می‌زند حرف به دل می‌نشیند و دانشجو متوجه می‌شود که در چه دنیایی زندگی می‌کند و وظیفه یک استاد این است که کلاس را از لحاظ آموزشی آماده و نظم را رعایت کند که عملاً نظم را به دانشجویمان هم انتقال می‌دهد.

اخلاق علمی در حوزه علوم زیستی پررنگ است. مثلاً دانشجو می‌خواهد با حیوان و یا با نمونه‌های بیولوژیکی انسان کار کند. در همه اینها یک خط قرمزهایی داریم که در کمیته اخلاق تبیین شده و متخصص علم هم وجود دارد متخصص دینی هم حضور دارد و یکسری چارچوب‌هایی را تبیین کرده‌اند که باید رعایت کنیم این یک شق بود و شق دیگری هم وجود دارد که به اخلاق ربط دارد و آن صداقت علمی است. مثلاً من نمی‌خواهم مقاله‌ای را با داده‌هایی که صداقت ندارند در ژورنال‌های با کیفیت بالا چاپ کنم، این کار اخلاقی نیست و باید رعایت کنیم. اخلاق، تعامل با همکاران و دانشجویان است که باید رعایت شود. در همه اینها ما باید به دانشجو بگوییم با حفظ احترام نسبت به بزرگتر، استقلال خود را به وجود بیاورد مخصوصاً استقلال علمی. این مستقل فکر کردن علمی است که باعث ایجاد و پیشرفت در مباحث علمی می‌شود.

اگر از تولید ملی حمایت نشود و به اقتصاد دانش بنیان توجه نشود آن وقت دانشجویی که تربیت کردیم با اینکه خودتکایی و استقلال را در آن به وجود آورده‌ایم اما وقتی وارد

جامعه می‌شود دلسرد می‌شود. یک موضوع دیگر اینکه وقتی از لحاظ اقتصادی نگاه می‌کنیم؛ همه کشورها در همه جوانب، اول نیستند سرمایه گذاری‌هایشان را در موارد خاصی گذاشته‌اند اینها ارزش دارند که کشور به آن توجه کنند که آیا در همه حوزه‌ها می‌خواهیم پیشرفت داشته باشیم و یا نه اولویت‌های خاصی را در نظر می‌گیریم.

کشورهای صاحب نام در رشته‌های بیوشیمی و بیوفیزیک چه کشورهایی هستند و ارتباط گروه بیوشیمی و بیوفیزیک تربیت مدرس با این کشورها چگونه است؟

کشورهای امریکا و کشورهای اروپایی مانند: انگلیس، فرانسه، آلمان، اتریش، روسیه مخصوصاً در بیوفیزیک دارای آدم‌های صاحب نامی هستند و آزمایشگاه‌های بزرگی دارند علاوه بر این موضوعات، علم در رشته بیوشیمی، بیوفیزیک، بیوتکنولوژی، ژنتیک و... پیشرفت‌هایی زیادی در آسیای شرقی اتفاق افتاده است. در این یکی و دو سال اخیر دانشکده علوم زیستی تمام سعی‌اش را کرده تا بتواند با این کشورها همکاری‌اش را به انجام برساند. از این رو تفاهم نامه و تبادلات علمی بسیاری با کشورهایی همچون چین و روسیه و آلمان و... در حال انجام است. اما باید توجه کنیم لازمه حرکت علمی، قدرت علمی داخلی است آنها باید یک قدرتی را در شما ببینند تا خودشان هم خواهان باشند با شما کار کنند. یکی از قدرت‌های ما داشتن نیروی علمی دانشجویان دکترا و کارشناسی ارشد بسیار عالی در سطح کشور است که باید قدر بدانیم.

### سخن آخر خود را بفرمایید؟

باید آنقدر تلاش کنیم تا برسیم به مطلوب خود و تمام معضلات و مشکلات و سختی‌هایی که در راه وجود دارد را پشت سر بگذاریم و قبول کنیم برای رسیدن به پیشرفت‌مان این سختی‌ها وجود دارد و دانشجو، استاد این جرأت را پیدا کند که عین بزرگان علمی فریاد بزنند که در کنار همه مشکلاتی که وجود دارد من بر اعلا و سربلندی کشورم تلاش می‌کنم و مسیر را ادامه می‌دهم.